

# مصاحبه با حاج آقا!

## کمدی در نیم پرده

— ممکن است عقیده خودتان را راجع به «بیب اتی» برای درج در کتاب عالم یهود اظهار بفرمایید؟

— نه آقا ۱۰۰۰ من از این قرتی بازی ها خوشم نیامد.

— راجع به اربعه اخیر فلسطین چطور؟

— نه آقا ۰۰۰ نه ۰۰۰ یک چیزی پرسید که نون و آب توش داشته باشد.

— مثلا ۰۰۰ آقا.

— مثلا نرخ نرول پول را در بازار از یک ماه قبل تا امروز ۱۰۰۰ سه شنبه هشتم برج قبل از ظهر نرخ پول «۶۵ روز سه شاهی ربع کم» و بعد از ظهر همانروز «فته طلب با دو امضاء جیرو شده معتبر زورکی ۱۷ روز ۵ پول» — بنده که از این اصطلاحات عجیب و غریب چیزی نفهمیدم. — البته نمیتوانید بفهمید چون فکرتان تیرسد مارا تاجر میکوبند نه برک چقدر.

استخوان خورد کرده ایم تا با اینجاریسیده ایم این ریش ها تو آسیاب سفید شده.

— پشمش بدون حاج آقا!

— (سراسیمه) چه گفتید ها ریش حقیر را پشم گفتید؟

— خیر بیغشید بنده هیچوقت به پشم توهین نکردم ولی فکرم جای دیگر بود.

— چطور؟

— شما اسم خودتان را «تاجر» گذاشته اید و من می بینم غیر از تنزیل دادن پول (که کار پیر زنان) است کاری نمیتکنید.

— آقا هر کسی از همراه پول در بیورد اسبش و تاجر است و روی چشم من جا دارد.

— از راه دزدی و خیانت چطور؟

— (باتسخر) دزدی؟ خیانت؟ (میخندد)

ها ها ها (ها) این حرفهای اسبق فریب را امثل شما درست کرده اند باید پول در آورد باقی حرف مفت است آقا ۰۰۰

کشو میز تحریرش را باز میکنند و یک دسته (اسناد محضری بیرون میکشد) نگاه کن آقای شرافتمند (با تسخر) بله آقای شرافتمند اینها اسناد مالکیت خانه هائی است که صاحبانش از زور بیچارگی بی با تومانی یک قران نزد من رهن گذاشته اند و میدانم بالاخره همه اش مال خودم خواهد بود (باخوشحالی) دست بهم میمالد

بله آقا یادم نمیرود سال قبل پیره زنی خانه اش را سه هزار تومان پیش من گرو گذاشت بچه اش مریض بود و تا دینار آخرش را خرج کرده روز قبل موعد پرداخت پول بود نتوانست پرداخت اسپایش را از خانه بیرون ریختن و ملک را تصرف کردم.

زن بیچاره خیلی گریه و التماس کرد. نزدیک بود دلم رحم بیاید ولی مرا «تاجر» میکوبند نه «دل رحیم»

# واکبهت لرعه کموך

یک بרכه سفر تره کتا درشت نوشته یروشלים به نفع کانون کیرکواها برآی ساحتسوان زایشنا (آهبا) میسود تاملکون به آکایان

یوسف فیروویان کیابکان ناظر کسرو

حانی شعیبان شمس لالهوزار

عبدالاه یوم טוב سرا میامیر

مرامیکه فرماینده

کانون کیرکواها

## بود آموز عبری بفارسی

### فنگر ریال

مرامکوز فروش

گامفکانه برادران کاشانی ناظر کسرو

کوسمانی یوسف اکبار

محلله کلبییمان منیاواها سالم

در فروش کلی تکفیه دادها میسود

هکسه رگس خروف عبری برآی گامف منویود

گامفکانه برادران کاشانی

### آرایشگاه آبراهام



چهار راه کنت خیابان منوچهری

فر ششماه ۹ ماهه بدون الکتربیک

بلند، درشت، سیستم جدید، فر گرم و سرد،

توالت عروس و ماینکور باسرع وقت

قیمت ۶۰ ریال ۱۰-۳

### بشارت

اخیراً کارد های شجیطا برای مرغ و گوسفند از انگلستان رسیده است و برای مرغ ۱۵۰ ریال و گوسفند ۵۰۰ ریال بفروش میرسد، این بوسیله دفتر عالم بود با آقای ملامد مراجعه نمایند. ۴-۳

### اخطار به مشترکین

مشترکین محترمی که با دریافت این قسمت آبرونه آنها بسر میرسد متنی است آبرونه خود را با پرداخت دو بیست ریال برای چهل قسمت یا صد ریال برای بیست قسمت دیگر تجدید فرمایند. ۴-۳۰

و درستی و امانت «تره هم خورد نمیکند» (برده می افتد)

صاحب و مدیر

مهندس بوستانی

حیبالله لاری

نکت نظر هیئت تحریریه

سه شنبه ۲۴/۱۱/۳۴

قسمت

۲۴

# عالم یهود

# عالم یهود

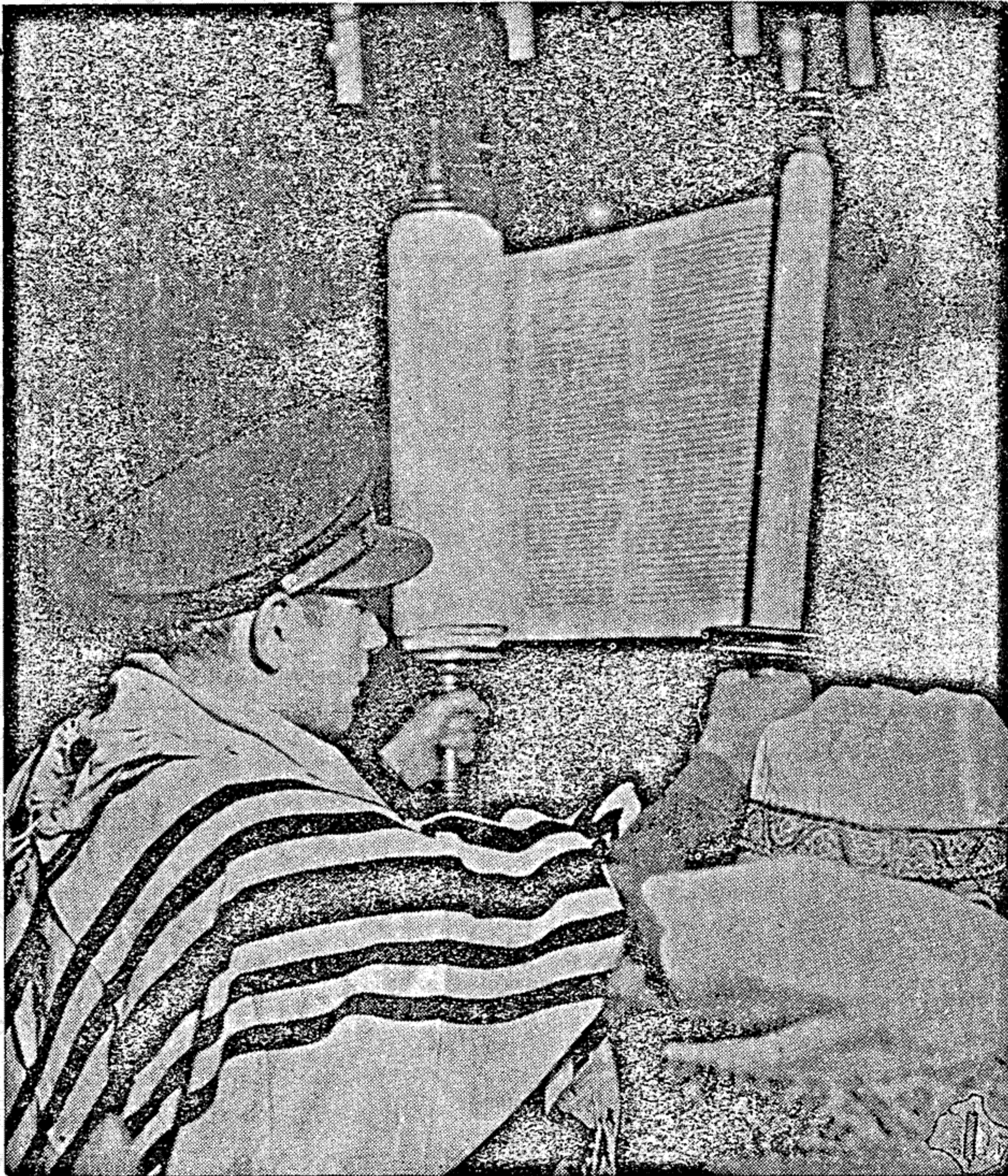
نشانی دفتر

چهار راه رازی

عنوان تلگرافی:

«هاعولام»

بها ۵ ریال





# مصاحبه با آقای سیده « Sidet »

## نماینده مختار و بازرس آلیانس ايسرائيليت

س - البته میدانید مدارس کنونی تکافوی تکمیل تحصیلات اطفال ايسرائيل را نینمایند. آیا تصیبي برای توسعه مدارس فلی اضافه نمودن کلاسهای دیگر یا افتتاح مدارس جدید اتخاذ فرموده‌اید؟

ج - فعلا مشغول مطالعه در اطراف امکان تأسیس مدارس جدید در بعضی از شهرهای ايسرائيل نشین ایران میباشم -

س - نسبت باوضاع ايسرائيلهای ایران و مخصوصاً تهران چه نظریاتی دارید؟

ج - بسیار خوشحالم که جامعه ايسرائيل تهران در ظرف سال‌های جنگ صدمه زیادی ندیده اند و همچنین علاقه مخصوصی نسبت بطنقه مستمند ملت دارند -

س - بنظر جنابعالی برای رفع نواقص ما ملت ايسرائيل ایران چه اقدامات اساسی ای باید بعمل آورد؟

متأسفانه در تهران «بطوریکه در سایر شهرهای بزرگ معمول است» سازمانی نیافتیم که فکری بحال آینده ملت نموده و اقدام با ایجاد «صندوق مخصوص ملی» بنماید تا تمام وجوهی که از طرف معارف و اشخاصی که اوضاع اقتصادی رضایت بخش دارند پرداخته میشود در آنجا متمرکز گردد. این قبیل وجوه در سایر شهرها بنام «وجوه ایام جنگ» نامیده شده و ذخیره جالب توجهی برای جامعه ايسرائيل بشمار میرود -

س - وضعیت فعلی آلیانس چیست و آیا همان رویه سابق را تعقیب خواهد نمود یا خیر؟

ج - آلیانس ايسرائيليت در تحت ریاست شخصیت برجسته و فوق العاده مهمی بنام (مسیو رنه کاسن) فعالیت خود را از نو شروع نموده است -

این شخص مهمترین همکاری در سال دو سال در لندن بوده و فعلاً سمت معاونت رئیس دولت فرانسه را دارا میباشد

س - آیا تصور نمیفرمایید که چنانچه انجمنی از جوانان فارغ التحصیل آلیانس تأسیس شود موجب تنور افکار عمومی و توسعه مراسم آلیانس خواهد بود؟

ج - بدیهی است که تشکیل چنین انجمنی برای جامعه ايسرائيل نفع خیلی زیادی در بر خواهد داشت زیرا باین ترتیب فارغ التحصیلهای مدارس ما خواهند توانست خدمات گرانبهای هم بدت و هم بؤسسات موجوده بنمایند

س - برای ترمیم کسر بودجه مدارس آلیانس تصیبي اتخاذ فرموده‌اید؟

ج - کسری بودجه مدارس ایران همیشه بعد از جامعه ايسرائيل بوده که البته در هر موقع حتی در آن ایامی که بحران فوق العاده ای پیش آمده بخوبی از عهده انجام وظایف خود بر آمده است -

مطابق و عده‌ای که در شماره قبل بخوانندگان عزیز داده بودیم آقای حنیفا ملید بنایندگی از طرف عالم یهود با آقای سیده نماینده مختار و بازرس کل آلیانس ايسرائيليت اونیورسل مصاحبه‌ای بعمل آورده است که از نظر اهمیت موضوع و از نظر اهمیت شخص مسیوسیده عین آنرا برای اطلاع خوانندگان درج میکنیم. چنانچه در شماره قبل گفتیم ورود و حضور مسیوسیده را باصطلاح معروف فرانسوی «اوکازيون» مفید و بزقیتی دانسته و امیدواریم که از این مطلب نتایج بسیار نیکویی در باره فرهنگ یهودیان ایران عاید ملت ما گردد،

س - برای چه منظور بایران تشریف آورده‌اید؟

ج - من از برای این بایران آمده‌ام که جامعه ايسرائيل شهرهای مختلفه و مخصوصاً تهران وانجمن های مربوطه را دیدن نموده و در ضمن ايسرائيلهای بیدادی را زیارت و بکلیه آنها مراتب حق شناسی کینه مرکزی آلیانس را بنسبست مساعدت گرانبهای که بؤسسات ما در سالهای جنگ نموده اند اشعار نمایم و همچنین سلام کینه نامبرده را بدیران و آموزگاران مدارس ابلاغ و از نتیجه عملیات آنها در طول مدتی که تماس با آنها امکان نداشته مستحضر شوم -

س - اکنون جنابعالی چه نظریاتی راجع بمدارس آلیانس تهران دارید؟

ج - پس از سرکشی بمدارس مختلفه آلیانس و مخصوصاً دبستانها و دبیرستانهای تهران مشاهده نمودم که تمام آنها باعلی درجه مشغول فعالیت می باشند -

مخصوصاً متوجه شدم که تعلیمات مذهبی و فرا گرفتن زبان عبری بخوبی پیشرفت نموده بطوریکه نسبت بیازرسی ای که پنج سال قبل در ایران نمودم ترقی محسوسی در این دوره به عمل آمده است -

بعلاوه مشاهده نمودم که معارف جامعه ايسرائيل تهران بویژه «انجمن خیریه بانوان» نسبت بخوراک و پوشاک اطفال بی چیز و همچنین برای تأسیس کارخانه صنایع دستی دوشیزگان نهایت کوشش را بعمل آورده و از هیچ نوع ابراز فعالیت و بذل و بخششی مضایقه ننموده اند -

س - چه اقداماتی برای اصلاح مدارس باید بعمل آید؟

ج - مقدماتی فراهم آمده که در مدارس اصلاحی بمنظور بهبودی اوضاع بعمل آید بطوریکه بسوی تعلیمات متوسطه پیشرفت نمایند -

از طرف دیگر امیدواریم که موضوع خوراک دادن بتمام محصلین بیضاعت ايسرائيل در تمام مدارس عمومیت پیدا کرده و بسط و توسعه یابد -

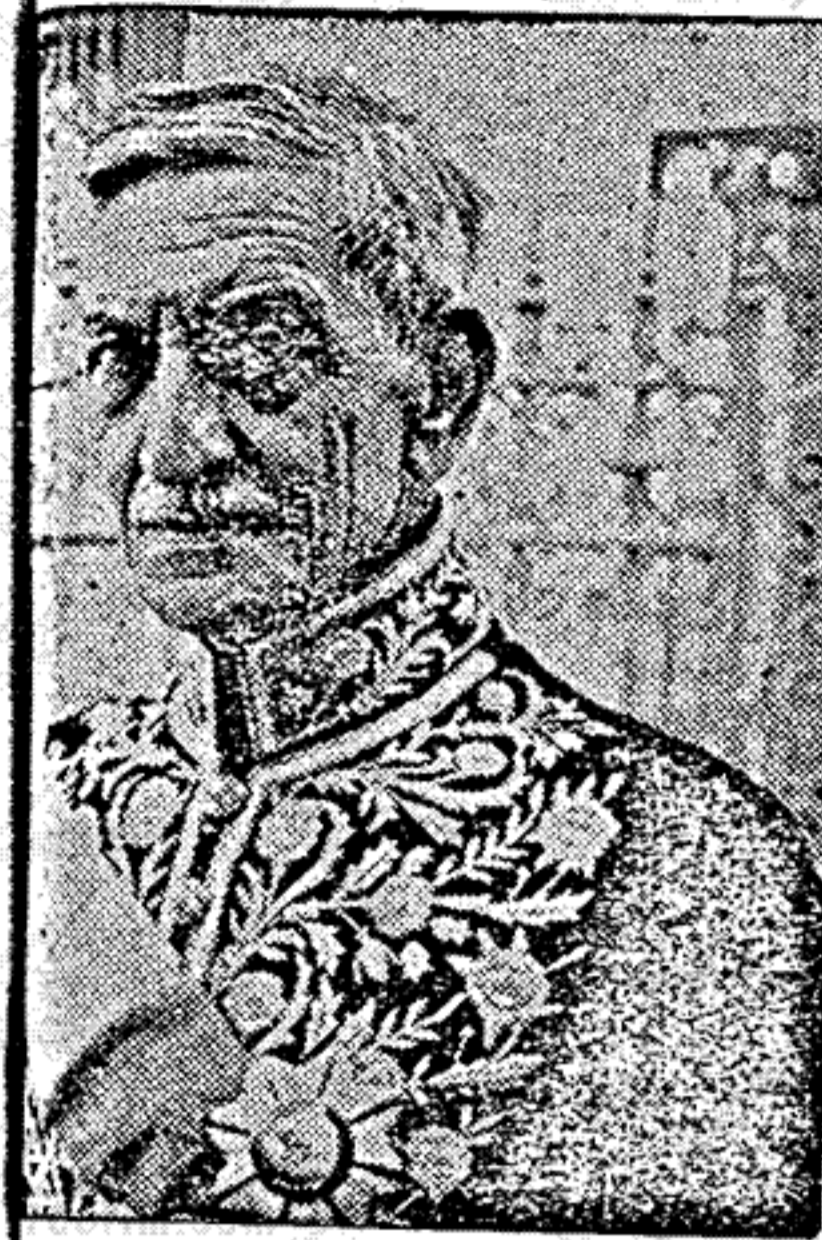
س - چه توقعاتی برای منظور فوق از ايسرائيلهای تهران دارید؟

ج - اطمینان دارم که جامعه ايسرائيل تهران از هیچگونه مساعدت مادی و معنوی برای وصول به هدف منظور فروگذاری نخواهد نمود -

س - از ملاقاتهایی که از معارف ايسرائيل تهران بعمل آورده‌اید چه نتیجه‌ای اخذ نموده‌اید؟

ج - ضمن تمام مذاکراتی که تا کنون با افراد انجمن کلیبان بعمل آورده‌ام استنباط کرده‌ام که عموماً آرزو دارند با مصیبه تشریک مساعی نمایند -

## اخبار مصور هفته



آقای حکیم الملک

در هفته گذشته پیش آمد های مهمی در کشور روی داده خالی از اهمیت نیست



آقای دهخدا

۱- آقای حکیمی نخست وزیر در اثر فشار افکار عمومی و نمایندگان مجلس از کار برکنار و استعفا هیئت دولت خود را تقدیم اعلیحضرت شاه نمودند و پذیرفته شد و از طرف اعلیحضرت همايونی بایشان دستور داده شد که برای جلوگیری از بحران تا انتخاب نخست وزیر آینده کماکان بکارها رسیدگی فرمایند - نمایندگان مجلس با کثرت آراء تصویب نمودند که «فرهنگ» دانشمند محترم آقای «دهخدا» بخراج چاپخانه مجلس چاپ و در دسترس خواستاران فرهنگ گذارده شود ۳- آقای دکتر سیاسی از ریاست دانشگاه استعفا و دوباره برای مدت ۳ سال بریاست دانشگاه منصوب شدند



۴ - ظهر روز پنجشنبه ۲۷ دیماه ۱۹۹۱ نفر از کوه نوردان (عکس بالا) منتخب باشگاه نیرو و راستی برای نصب پرچمی که قلابه گردیده و مهبور بامضاء اداره و رئیس تربیت بدنی بود بسمت قله پریرف توجال که ارتفاع آن ۳۸۷۰ متر است رهسپار و در ساعت ۱۰ روزجمه با موفقیت تمام برای اولین بار در تاریخ ورزش کشور در قله توجال نصب نمودند



آقای دکتر علی اکبر سیاسی

## شرح عکس پشت جلد

از مجله لایف ترجمه: الازار کوهن صدیق

## عیدروس هسنانا در برلن

پس از مرور هفت سال از تاریخی که نازیها بطرز وحشیانه ای کنیسه‌های ايسرائيل را در سرتاسر آلمان سوزانیده و ویران نمودند برای نخستین مرتبه در روز ۷ سپتامبر ۱۹۴۵ مجدداً تشریفات عید (روش هسنانا) در برلن برقرار گردید

۵۰۰ نفر حاضرین عده کثیری از سربازان امریکایی و روسی دیده میشد که با کمال صمیمیت در کنار آن جمعیت چند نفری ايسرائيلی‌هایی که هنوز هم در برلن یافت میشدند مشغول تفیلا خواندن بودند - هر چند این کنیسه توسط نازیها سوزانده شده بود ولی در اثر مساعی و همکاری نیروی امریکا مجدداً تعمیر و رنگ کاری و آماده گردیده بود -

افتخار بیرون آوردن بیکانه (سفر تورا) از (هخال) بجناب آقای ورنر ناتان که در عکس پشت جلد ملاحظه میشود داده شد مشارالیه حکمران نیوآرک (باینتت یکی از ایالات نیوجرسی امریکا) میباشد - سفر توری مورد بحث از ترس نازیها بجله در زیر زمین پنهان شده و خوشبختانه سالم باقی مانده بود تا باری دیگر که پرچم آزادی بر فراز برلن باهتزاز در آمده مورد ستایش قرار گیرد -

در بین تفیلا ايسرائيلیهای آلمانی برای دنیای جدیدی دعا کردند که بر اساس عدالت و برابری پایه گذارده شده باشد و احاطه باشی فرمودند «ما هنوز در تاریکی بدبختی واقع هستیم زیرا دودرب جاو خود داشتیم که هر چند از یکی از آنها گذشته ایم ولی از خدا التماس میکنیم که هر چه زود تر آن در دیگر راهم بروی ما باز کند یعنی از اینجا بفسطین برویم و در آنجا نیز در امان باشیم <



# شب قبل از تبعید!

ترجمه: کرمانیان

در اطراف کوچک چوبی که بازداشتگاه کودکان بود کسی بجز کودکان یتیم یافت نمیشود و باین واسطه آنها را دارالایتام می نامند در اینجا کودکانی یافت میشوند که بکلی والدین مفقود و یا نابود شده خود را که در هنگام طفولیت و حتی شیرخوارگی از دست داده اند فراموش کرده اند اما دختر بچه ای را که این هفته تبعیدش میکنند اکنون چهارده ساله است او را میخواهند بکمان دیگری بفرستند تمام فامیلش مدت مدیدی بود که در لهستان ساکن بودند و فقط او تنها مانده بود زیرا در موقع بازداشت دسته جمعی در یک کتبه سر بسته ای مخفی شده بود اغلب فکر میکنند که بهتر بود خود را مخفی نیکرد تا بتواند بباستگان خویش همراه باشد و اکنون بعد از یک اقامت چندماهه بین خارجیان مجبور است تنها برود.

اونیترسد اما روز دوشنبه هنگامیکه دید یک قطار طویل و آکن در بازداشتگاه وارد میشود که صف طویل تمام شدنی و آکن های آن مخصوص حیوانات و بطور خجالت آور و وحشتناکی کثیف بود که از بس بزرگ و پهنای تمام طول بازداشتگاه را اشغال کرده بود و کارگران که واگونها را نیز میکردند سطل های خالی و لوله های آب و بسته های کاغذ را در اطراف های مخصوص سربازان جای میدادند در اثر دیدن آنها خود را خیلی کوچک می پندارد اصلا خیال نمیکند که چهارده سال دارد شبانگاه بعد از ساعت های طویل کار زندانیان در طول جاده گردش میکنند و واگن هارا تماشا مینمایند - آنها هیچ چیز نمیکویند زیرا میدانند که این وضعیت چه معنایی دارد کاملاً ساکت میمانند و برای رعایت خاطر خود سرخود را میچسبانند - راستی چه میتوانند بکنند آنها اصلاحاتی ندارند که برایشان تشریح کنند چرا هر روز دو شنبه قطار آنها می آید بقیه هم یعنی واردین جدید بازداشتگاه گرفتار یک غصه بسیار شدیدی میشوند که قادر بادای یک کلمه هم نیستند و آنهایی که می دانند که روز بعد نوبت رفتن آنهاست به کلبه زندان خویش میروند تا بسته خود را ببینند یا با وجود آنکه روحاً مایوسند بدتر فرمانده بازداشتگاه میروند شاید از او مهلتی بگیرند.

اما دختر بچه بیچوجه چنین کوششی نمیکند زیرا دیگران قبلاً خیلی سعی کرده بودند بدون این که کوچکترین موافقتی بدست آورند دختر بچه، چند لحظه بعد که در ضمن حاضر غایب کردن نامش را میخواهند هیچ نیتند. بهتر است بجای اینکه انسان خود را با امیدواری های دروغی دلخوش کند پیش خود فکر کند که هیچ امیدی برایش موجود نیست.

مادرانی که چند طفل بی پدر دارند سخت سرگرم جمع آوری بسته ها و حرکت میباشند اما او برعکس امشب از شبهای عادی زودتر خواهد خوابید زیرا شایع بود که ساعت ۳ بعد از نصف شب آنها را احضار میکنند و بنابراین چون کاری از دستش ساخته نیست زودتر میخواهد و خاطرش جمع است که خوب میخواهد.

و در حقیقت با وجود حرکات و قیل و قال زیاد زود بخواب فرو میرود! قطعا ساعت ۳ صبح است زیرمه سایه اش که پهلوی او میخواهد بیدار میشود او را هم صدا میزند: «ار شو، بیدار شو باید خود را آماده کنیم در حالی که هنوز کاملاً بیدار نشده است اهیتی بسخت آن یکی نمیدهد اما سکوت عزا که بر فضای زندان آنان حکمفرمای میکند او را کاملاً بیدار میکند در موقع حاضر غایب هر کس باید با صدای بلند بگوید «حاضر» ابتدای نام فامیل را میخواهند سپس نام شخصی و پس از آن تاریخ و روز تولد را دختر بچه در حال بیداری بیحرکت و آرام خوابیده بود و هنگامی که نامش را خواندند صدای خفه شده ای میگوید «حاضر»

اما در این سکوت مرگبار ضعیف ترین صداها نیز شنیده می شوند. اسامی بحرف آخر انبیا رشید و تمام شد.

مردیکه مأمور این کار است «مرسی» میگوید و با شتاب تمام باز میگردد زیرا با ترتیب عملی را که برای دو نفر زنده انی مرده انجام باید کرد تعیین میکند و عرض آنها را انتخاب می نماید در میان سکوت همیق زنها بسته های کودکان خود را می بندند و یکی از آنها که سه طفل دارد با صدای بلند میگوید:

«بچه ها بر خیزید! باید لباس پوشید خداوند همه جامه است در لهستان نیز حضور دارد»

دختر بچه، غفلتاً چنان بر میخیزد که سرش با میله های آهنی که بالای رختخوابش قرار دارد جفت میشود: آیا این مطلبی که این زن میگوید حقیقت دارد؟

تاکنون در این باره فکر نکرده بود او خیال میکرد که خدا در هیچ جای لهستان و بخصوص در این کلبه زندان که بر از ظلم و شقوت و هتک است و با حضور این دو نفر دختر بچه ای که مرده اند نیست، آنچه هم خیر خداوند هیچگاه در این واگن های حیوانات حضور ندارد اما در باره لهستان هم مطمئناً در آنجا هم وجود ندارد ولی با این وجود این بار هم این مادر با آنهمه اطمینان خلاف آن را تصریح کرده از تقاضای پانین میبهد بیجا آن مادر روی آورده با تضرع میگوید: «بن اجازه میدهمی که باتو با آنجا بیایم من کاملاً تنها هستم!»

«اما بله طفل من!» مادر جواب میدهد «ولی فقط اگر ما را در یک واگن جای دهند!»

«دختر بچه بازم با الحاح و التماس میگوید: «نی توانی کاری کنی که ما را نزد هم جای دهند»

بنظر میرسد - اوه بله چنین فکر میکنم که نزدیک تو وقتی که باهم باشیم بخدا نزدیکتریم!»

زن او را در آغوش میکشد و میگوید:

«خداوند در تمام واگنها حضور دارد اما تو با ما خواهی آمد!» دختر بچه لباسهایش را میپوشد و بسته خود را میبندد مثل اینکه معجز شده زیرا کاملاً تسکین یافته است.

من - نظریات آلیانس و خود جناب مالی نسبت بمسائل صیونسم و تقاضای آنها چه میباشد؟

ج - در گذشته آلیانس نسبت بمسائل صیونسم بیطرف بود اما امروز بر اثر قتل و غارت های نازیها مراسم تغییر کرده و از تالیات اسرائیلی فلسطین صمیمانه پشتیبانی مینماید.

س - بطوری که اطلاع دارید در ظرف مدت جنگ کبینه (جوینت) وجوهی برای مدارس آلیانس ایران فرستاده است - برای جلوگیری از هر نوع سوه تفاهمی خواهشمند است اطلاع دهید که آیا این وجوه برای ترمیم بودجه مدارس بوده یا برای پرداخت حقوق و فوق العاده های کارکنان آلیانس بوده است؟

ج - نظر باینکه آلیانس نتوانسته در طول مدت جنگ حقوق مدیران و آموزگاران خود را در ایران بفرستد باین جهت کبینه جوینت قسمتی از این حقوقها را بجای آلیانس پرداخته است.

س - آیا در نظر دارید بسایر شهرهای ایران هم مسافرت نماید - در صورت مثبت بکجا؟

ج - نظر بسختی فصل زمستان و لزوم مراجعت فوری بیاریس متأسفانه نمیتوانم بسایر شهرستان های ایران مسافرت نمایم.

س - آیا در نظر دارید که از وزارت فرهنگ ایران ملاقاتی بعمل آورده و درباره یسرفه امور فرهنگی مدارس ایران مذاکره فرمائید

ج - بدیهی است که برای ادای احترامات اقدامات سلاطنت خواهام نمود

«پایان»

# سلیمان (پادشاه شلومو)

داوید کشور بهنوری را که در نتیجه جنگهای فراوان بدست آورده بود برای هارمو (سلیمان) فرزندش باقی گذاشت و سلیمان هم که جوانی عاقل و دانشمند بود پس از صدور فرمان قتل برادرش «ادوینا هو» کاری جز حفاظت میراث پدر و تثبیت صلح و صفا و تعلیم عدالت نداشت و بنابراین دوره سلطنت سلیمان دوره آرامش و صلح و صفا بود و زندگانی بی اسرائیل و ملل دیگر کشور یهود و خوبی میکند بطرفی که «هر کس در زیر درخت میوه وانجیر خود» زندگی مینماید و شلومو از روی عقل و حکمت

# تاریخ مختصر یهود

ترجمه و نگارش: کرمانیان

و مطابق عدل و انصاف سلطنت و «قضات» میکرد و چونت خیالش از جانب دشمنان خارجی راحت بود مطابق ذوق و سلیقه سلاطین آن زمان بمران و آبادی کشور و تاسیس شهر های جدید و بخصوص به تزئین پایتخت خویش «پروشالیم» یا اورشلیم می پرداخت شلومو با یکی از دختران دربار سلطنتی مصر ازدواج نموده و برای تحکیم روابط نزدیکی با همسایگان خود عهد نامه دوستی بافتی ها «صور» را که بوسیله پدرش منعقد شده بود تجدید نموده و مناسبات نزدیک با آنان بر قرار داشت و فنیقی هاهم که

## از گوشه و کنار

۱ - رودلف هس: پروفسور کراستوسکین و پروفسور کلی در اثر امتحانات همیقی که از روحیه رودلف هس نموده اند تشخیص داده اند که مشارالیه در جنگ اخیر مسئولیتی ندارد!

۲ - امیل لودویگ در پاسخ یکی از نمایندگان مطبوعات که خود دهوتی از آنها در گراند هتل بعمل آورده بود راجع بداد گاه نورمبرگ چنین جواب داد: همان اوضاع ۱۹۱۹ تکرار خواهد شد، محاکمه انجام خواهد گرفت ولی شما شرط می بندم که حتی یک ژنرال آلمانی هم پدار آویخته نشود.

نماینده دیگری از او پرسید آیا شما راجع بحال هیتلر کتابی خواهید نوشت؟ من راجع باشعاس بزرگ چیزی ننویسم و برای اینکه کاملاً راجع به تغییر ناپذیر آلمانیها را با آنها بشناساند چنین اضافه نمود:

در مسافرت اخیر که با آلمان نمودم در یکی از کوچه ها از پسر دوازده ساله ای پرسیدم چرا فریاد نیزنی زنده یاد هیتلر جواب داد فعلاً قدفن است!

اشعه مرگ

۳ - در ماههای آخر جنگ زاپونیه اشعاع کشته ای پیدا کرده بودند اما این اشعه فقط در خرگوشها موزون واقع شد آنها بشرطیکه فاصله آن از ۱۳۰ متر تجاوز نکند.

۴ - مسکن است گوستاد کروپ صاحب کارخانجات کروپ در هاد گاه نورمبرگ محاکمه نشود زیرا فعلاً اقلیج و قادر بصحبت کردن نبیاشد و در بیمارستان سار بورگ امریکایی بستری است ولی کمیسوی از پروفسورهای روسی، امریکایی، فرانسوی و انگلیسی فعلاً مشارالیه را تحت معاینه قرار داده اند تا در این باره تصمیم بگیرند.

هرگز در اثر اتم

۵ - کارگری بسن ۴۳ سال که در کارخانه بسب اتمی امریکایی کار میکرد در نوامبر ۱۹۴۳ در اثر بی احتیاطی در کار با مواد همیبائی گرفتار سوختگی که دائماً رو باز دیاد است شده و یک مرک تدریجی او را تهدید میکند. نزد ۲۰ نفر از اطبا مراجعه نموده ولی نه فقط نتوانسته اند معالجه کنند بلکه از تشخیص مرض نیز عاجز مانده اند. سابق راست مشارالیه کاملاً بی حس و کانون مرضی که در اثر اتم پیدا میشود شده و باید آنرا قطع کرد - سابق پائی پیش فزائتر سوختگی ها لایق قطع هرق میکند بدون اینکه معالجات کتیرین اثری داشته باشد.

ترجمه عطاالله «لوالی»

مهمترین ملت تاجر و جهانگرد دنیا آنروز بودند برای یاد دادن آن فن به یهودیان آنرا با کشتیهای خود با قطار جهان متدن وقت بردند تاجر اسرائیل از اینراه ثروت بی پایانی وارد کشور نموده و سنگهای قیمتی و دیگر اتمه خارج را بکشور خویش وارد کردند بعدی که «قره در اورشلیم مانند سنگ فراوان شده بود»

شلومو در شهرها قصور و مهارتی زیبا بنا نمود و در اورشلیم بارگامی برای خود بیاراست و در آن شهر شروع بساختن مبدع مقدس «بت هیقدهاش» یا خانه خداوند نمود که در دنیا بی نظیر بود. برای این منظور پادشاه فنیقیه که یکی از دوستان وی بود بهترین معماران خود را باورشلیم فرستاد و این اشعاس بکمک معماران یهودی و هزاران کارگر دیگر ساختمان آن باشکاه مجلل و پرشکوه پرداختند و نمای خارج

میدر باستکهای تراش زیبا بیاراستند و از جنگلهای لبنان چوبهای سرو و صنوبر و آبنوس برای دیوارهای آن استخراج نمودند و آنرا از داخل باشکال زیبا و مجلل با رنگها و مواد درخشان طلائی ترین نمودند در داخل معبد مذبح بزرگ و معتبری از مس برای قربانی کردن گاو و گوسفند ساختند و در وسط سالون بزرگ و تاریک آن «دو صندوق مقدس» خداوند را جای دادند. از تمام کشور اسرائیل مردم برای عبادت مخصوصاً در ایام امیاداد یسج و سوکوت «بدانجا میآمدند و از بمالک دور دست برای تماشای زیارت خانه ای که شلومو باطلای فراوان برای خداوند بنا کرده بود و هفتتیبای معماران او و همچنین برای شنیدن کلمات حکمت آمیز و طرز تفاوت وی باورشلیم می آمدند اما جمله این جلال و شکوه اورشلیم و عزت سلطنت شلومو برای وی بقیهت گرانای بالا آمد چه برای وصول بدانها لازم آمد که مالیاتهای سنگین بر مردم تحمیل گردد و از غنی و فقیر زارع و صنعتگر و تاجر مبالغ هنگفتی اخذ شود و بنا بر این آثار سختی میشت و تلخی زندگی ذریجات افراد کشور ظاهر شد و بتدریج این اثرات خود را بسلام بروز شورش و ترمد از طرف قسمت مذهبی از ملت داد که در نتیجه یکی از نزدیکان شلومو بنام «یاروبعام بن بناط» از طایفه افرائیم مردم را برخه شاه بشوراید شلومو فرمات قتل وی را صادر کرد و یاروبعام بمر فرار کرده پس از وفات شلومو دو مرتبه یارس اسرائیل بازگشت.

تجزیه سلطنت یهود پس از شلومو بمرش موسوم به «رحبام» بجای وی نشست. و شایخ قوم بشهر قدیمی «شخم» بضور وی آمده با چنین گفتند که «پدرت بارهای سنگین بکردن ما گرفتار دوتواگر فشار مارا کمتر کنی تو را بندگی خواهیم نمود» رحبام بجای آنکه زخمهای شدید آنها را که در اثر مالیاتهای گراف هارخ ملت شده بود مرهمی نهاد چنین پاسخ داد: «پدرم بارهای سنگین بر شما گذارد و من نیز بر آن اضافه خواهم کرد»

مشایخ دهه طایفه اسرائیل از جمله طایفه افرائیم در اثر این سختت «یاروبعام بن بناط» را در شهر «هشم» بشاهی خود برگزیدند و دولتی متشکل از دهه طایفه اسرائیل که ساکن شمال و مرکزینی بقیه دارد





در ۲۷ دسامبر  
اغتاشات جدیدی  
در فلسطین روی  
داده است.  
این اغتاشاتی که  
در محله اداره واقع  
شده عمده‌ای از یهودیها  
و افراد انگلیسی مجروح  
و کشته شده‌اند - روز  
بعد از این واقعه  
کیسر عالی انگلیس  
آقای بن گوریون

رئیس کتبه اجرائیه یهود و مستر شرتوک رئیس سیاسی سوختن را نزد  
خود احضار و نظریه آنها را نسبت باغتاشات فوق استعمال نمود - نمایندگان  
نامبرده آژانس یهود در پاسخ ایشان بیانیه ای که از طرف کتبه  
اجرائیه صیونیت منتشر شده بود قرائت نمودند بیانیه نامبرده متذکر  
است که حمله باموال عمومی عملی است شنیع و اداره اجرائیه صیونیت  
قتل کارمندان دولتی را تقیح مینماید - علاوه بر بیانیه فوق پیشوایان  
بکیسر عالی فلسطین توضیح دادند که آژانس یهود نیست به اینگونه  
حالات هیچگونه اقدامی نمیتواند بنماید مضافا اینکه با اوضاع فعلی برای  
کتبه اجرائیه غیر مقدور است که از مردم یهود درخواست کند که نسبت  
بمتراتی که برخلاف مصالح آنها می باشد مطیع بوده و هیچگونه ابراز  
مخالفتی ننماید \*

آقای شرتوک در یکی از جلسات مصبوعاتی اورشلیم اظهار داشت که  
مهاجرت قانونی فلسطین تقریبا متوقف گردیده است ولی مهاجرت غیر قانونی  
شیوع پیدا کرده است و ضمنا نطق خود را باین جمله خانه داد « وظیفه  
هر یهودی آنست که بپدر وطن خود مراجعت نماید »  
مسیو گرون گیش وابسته دیپلماتیک روتر ضمن تلگرافی که از  
اورشلیم بلندن مخابره نموده اطلاع داده است با وجودی که ضمن اعلامیه  
پوین تصریح کرده است که فعلا تا تکمیل کتبه بررسی بامور فلسطین ماهانه  
به ۱۵۰۰ نفر اجازه مهاجرت فلسطین داده شود مع هذا اخیرا بکلی مهاجرت  
مجاز یهودیان بآن سرزمین قطع شده و هیچگونه اجازه مهاجرت فلسطین  
از طرف دولت های مربوط داده نشده است \*

کتبه جراید «فلسطین» اعلامیه رسمی را مضمون این که «مهاجرت  
فلسطین ادامه دارد» تکذیب نموده اند.  
حکومت فلسطین از حکومت مرکزی لندن تقاضا نموده است که  
دستورات لازمه دائر بصدر جواز مهاجرت برای ۱۵۰۰ مهاجر در ماه  
صادر نمایند. با وجود اشکالات موجوده مع هذا مهاجرت غیر مجاز فلسطین  
ادامه دارد زون کیش مخبر رویترز تلگرافی که از اورشلیم مخابره نموده  
اطلاع داده است که وی موقع بیانیه شدن ۲۰۰ نفر مهاجر مجاز از کتشی  
«حناسنه» حضور داشته است (حناسنه نام دختر یهودی داوطلبی میباشد  
که در جنگ با پارتاشوت پشت جبهه آلمانیها پائین آمده و از اقدامات  
شجاعانه خود لشکری را نجات داد و بعد بدست کشتابوی آلمان گرفتار  
گشت و بقتل رسید) \*

### מהסוכנות היהודית בטהראן מוסרים לנו חדשות אלה:

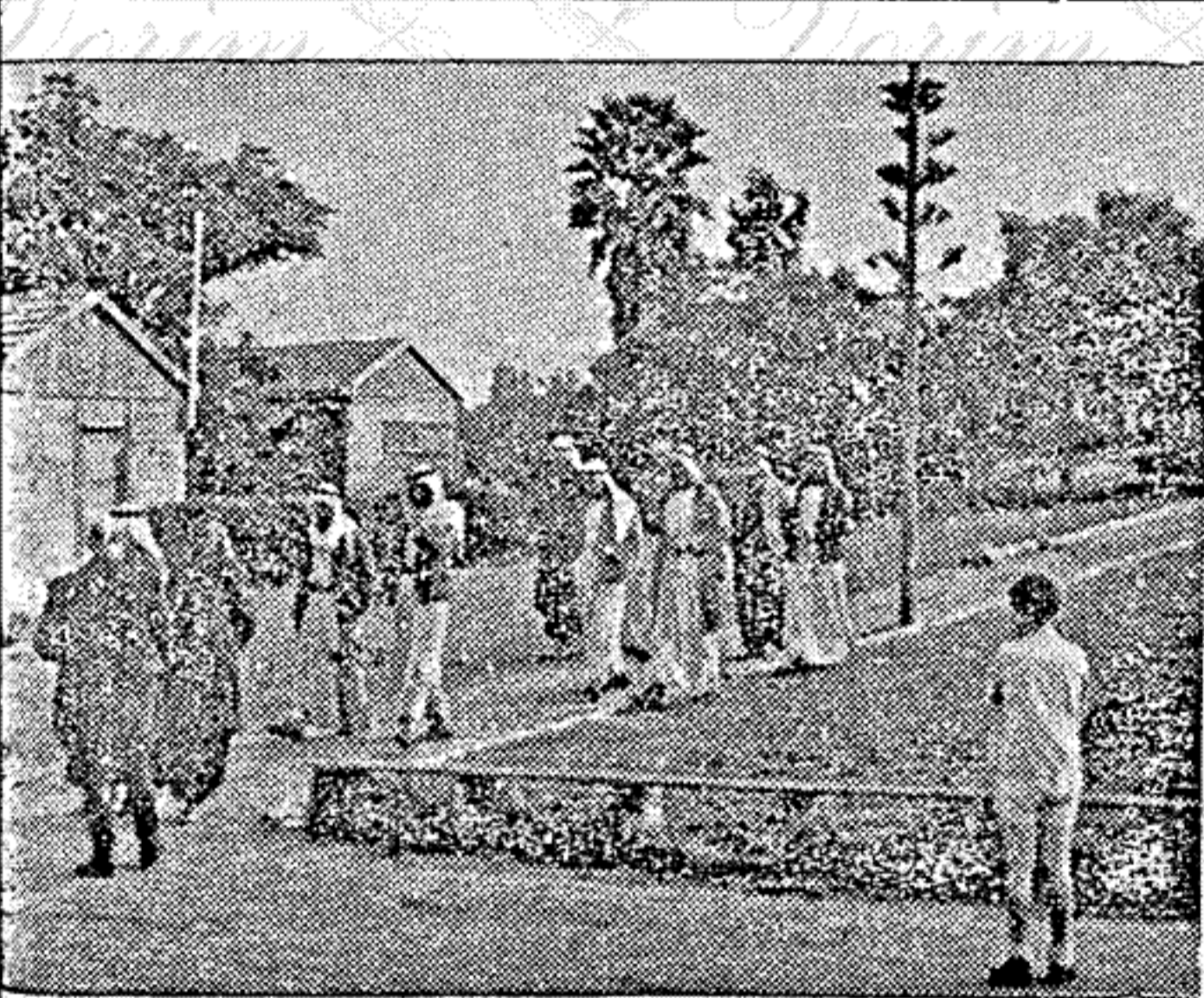
در ایران  
خبر میدهد

روی کشتی نامبرده بخط درشت نوشته شده بود «این تنها  
جوابی است که ما میتوانیم بدینا در قبال کشتار شش  
میلیون یهود اروپا بدهیم» \*

چند روزی است که کشتی های انگلیسی يك کشتی قاچاق که حامل  
۹۰۰ مهاجر غیر مجاز بوده بازداشت نموده و آنها را به بندر حيفا برده  
سرانجام این مهاجرین تا کنون معلوم نشده است -

طبق آخرین خبریکه رسیده روز ۱۹ ژانویه اغتاشات جدیدی  
در اورشلیم رخ داده است این اغتاشات پایتگاه رادیو نیز سرایت کرده  
و در نتیجه بر خورد هائی بین قوای یهود و انگلیسی در کوچه های اورشلیم  
شده است -

مسئله تشریک مساعی بین آژانس یهود و کتبه انگلیسی - امریکائی  
که مامور بررسی موضوع فلسطین است هنوز مورد مطالعه میباشد  
در صورتیکه کتبه انگلیس - امریکا درخواست نماید ممکن است بعضی از  
رجال و کارمندان سازمانهای اقتصادی با آنها وارد مذاکره شوند -



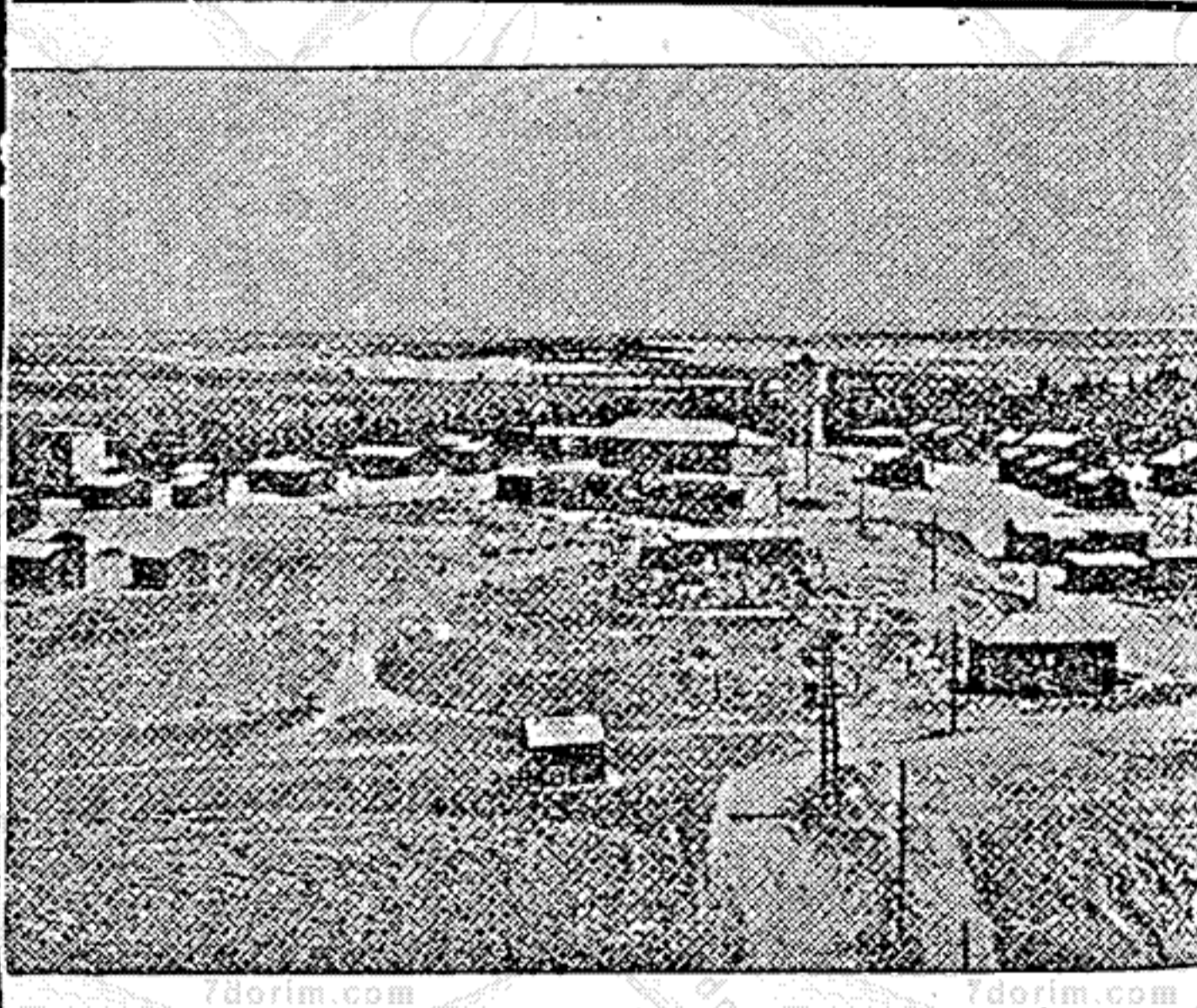
در عکس بالا اعراب مجاور گوت حثیم دیده میشوند که پس  
دستجات انگلیسی برای اظهار همدردی نزد اهالی کلنی ها می آیند -  
وضعیت دهات عرب نشین نسبت بکلنی هائی که مورد حمله  
گرفته اند خیلی جالب است و عمل فوق نشان میدهد در صورتیکه  
تحت تحریکات واقع نشوند یهودیها را بنظر دوستان و همسایگان  
مینگردند و بهمین مناسبت رئیس کیوتس گوت حثیم در خطابه خود

مسیو شرتوک اظهار داشته است که «کیسیون بررسی باید قبلا از  
یهودیان اروپا که متقفا متقابل بمهاجرت فلسطین میباشد سئوالات خود را  
شروع نماید» تا کنون هیچگونه طرحی از طرف آژانس یهود که به کیسیون  
بررسی تقدیم گردد تنظیم نشده است -  
تصور میرود آژانس یهود تصمیم خود را در موقمی که کیسیون  
بررسی مشغول کار شود اتخاذ نماید -

در گذشت يك شخصیت ممتاز یهودی هوانکن  
بنگاه (شهو) تشریفات لازم برای جشن گرفتن هشتاد و چهارمین  
سال تولد این بزرگوار را تهیه نموده بود ولی متأسفانه بجای شادمانی  
مجلس سوگواری برقرار گردید -

توصیف چنین شخصیت مهمی در چند سطر البته خالی از اشکال  
نیست - نیروی روحی وی از سرچشمه عرفان و حقیقت بینی مستفیض  
گردیده و هیچ مانعی در سر راه خود نمیدید که او را از یگانه هدف  
زندگیش یعنی خرید زمین های ارتس اسرائیل برای ملت اسرائیل  
باز دارد -  
در ظرف پنجاه سال فعالیت متوالی آقای هانکن تقریبا ششصد  
هزار دونام از زمین فلسطین را خریداری نمود -

البته باید اذعان کرد که چنین مردان برانزنده ای وقتی از بین ما  
بروند کمتر اشخاصی یافت جانشینی ایشان را دارند ولی نا امید هم  
نباید بود زیرا درس و مثلی را که مرحوم هانکن بجای خود اسرائیل داده  
هیچوقت از اذهان محو نگردیده و شاید بزودی ستارگانی مانند وی در عالم  
اسرائیل طلوع نمایند -  
از فرمایشات وی یکی اینکه «خرید زمین و معمور نمودن کلنی  
ها اساس تجدید حیات ملی اسرائیل در فلسطین میباشد» -



از دست دستجات نظامی می آیند و میروند اما دوستی همسایه ها میماند -  
ضمنا این موضوع هم نا گفته نماند که در موقمی که گوت حثیم را  
دستجات انگلیس محاصره نموده بودند یکی از دهات عرب مجاور یهودی  
که از کلنی های نزدیک آمده بودند اجازه دادند که از ده آنها عبور  
نمایند و خود را بگوت حثیم (عکس بالا) برسانند -

از پست فلسطین  
اصرار و ابرام کنگره امریکا برای آزادی مهاجرت  
اسرائیل فلسطین  
واشنگتون - ۲۰ دسامبر - تقریبا باتفاق آراء کنگره امریکا  
تصمیم فوری گرفت که مهاجرت یهود پارتس اسرائیل باید غیر محدود  
باشد تا ترقیات کشاورزی و اقتصادی فلسطین جدد اعلاء برسد ۰۰۰ فقط  
سه نفر رأی مخالف داشتند -

باین ترتیب فتح و بیروزی صیونیسیم در کنگره امریکا محرز  
گردید ولی مع هذا برزیدنت ترومن مایل نیست که این تصمیم در جریان

سیاسی گذارده شود مبادا که نامبرده را در کنفرانسهای که راجع فلسطین  
در آینده منعقد خواهد شد دست بسته قرار دهد -  
اشخاصی که در کنگره صحبت نمودند هم از لیدرهای اقلیت وهم  
از اکثریت بودند و هر دو بنفع اسرائیل نطق کردند -  
از مخالفین یکی (مسترویکرشام) که اخیرا رئیس هیئت اعزامی  
بمربستان بود که این سمود را ملاقات و با وی مذاکره نموده بود و  
دیگری (مستروادسورت) نماینده نیویورک که مباحث یکنفر آتی سمیت  
یعنی (مسترسنیک روزنوالد) را تکرار کرد -

در این بین (مادام کلار بوت لوس) نماینده جمهوری خواه  
خطابه غرائی ایراد کرد که دولت امریکا در تبعیضی که بین نه تنها یهود  
و عرب فلسطین بلکه سفید پوست و سیاه پوست خود امریکا «فائل شده  
بزرگترین یوحیهارها مرتکب میشود» -  
پس از معظم لها باز هم (مستر وادسورت) برخاسته و پیشنهاد  
کرد که تصمصم کنگره بعد از تحقیقات و بررسی های هیئت نمایندگان  
انگلیس و امریکا اتخاذ شود پیشنهاد ایشان رای گرفته و با اکثریت ۱۳۳  
رای در مقابل ۳۵ رای رد گردید و بیروزی صیونیسیم قطعی شد -  
واشنگتون ۲۲ دسامبر - (سناتور کلودی پیر) که اخیرا از  
مسافرت اروپا در خاور میانه مراجعت نموده امروز صبح باترومن مذاکره  
و پس از آن بخبرنگاران جراید اظهار داشت:

« من مطمئنم که فلسطین خیلی یش از اینها کنجایش جمعیت  
دارد ۰۰۰ مدت سه روز توقف خود در عربستان سعودی وضعیت  
فلسطین را با این سمود که نظریاتش راجع باین موضوع معروف است  
مورد بررسی قراردادام و او از زحمات یهودیان برای بهبودی کشاورزی  
و صنعت و سایر محصولات فلسطین تقدیر نموده بعد اظهار داشت که  
چون یهودیان برای پیشرفت کار های خود اقدام بتشکیل شرکت هائی  
میدهند لذا بمرام امریکائی خیلی نزدیک هستند -

نیویورک ۲۴ دسامبر - محافل مطلع اظهار میدارند که کیسیون  
مشترک امریکا و انگلیس عنقریب تصمصم خواهد گرفت که آیا تمام  
کارمندان نخست بارویا بروند و بعد فلسطین یا اینکه نیمی از آنها بارویا  
و نصف دیگر فلسطین -  
ضمنا شهرت دارد که کیسیون دعوتی بسازمان های مختلفه  
منجمله آژانس یهود فرستاده و نظریات آنها را خواستار گردیده است  
مع هذا تصور نمیرود که باغبلی اشخاص در این خصوص مذاکره رسمی بعمل  
آید با وجود این عده کثیری از یهودیان و مسیحیان حاضر شده اند که  
مدارکی در اختیار کیسیون بگذارند -

تاسیس کمیانی فیلمبرداری در تلآویو  
بقرار اطلاع واصله در نظر است حوزه (ناتانیا) در تلآویو تخصیص  
بکمیانی فیلمبرداری داده شود که استودیو های خود را در آنجا تاسیس  
نمایند و نیز شهرت دارد که ساموئل گلدوین در نظر دارد عنقریب عده ای  
از ستارگان سینما از قبیل بولت گدار و بن هشت و غیره را بآن جا  
اعزام دارد ضمنا میگویند عده کثیری از جوانان و دوشیزگان اسرائیل  
طالب فرا گرفتن فن هنریشکی در آموزشگاه این کمیانی گردیده اند -

بزرگترین نمایش درام و تاریخی  
شائول در پناهگاه  
در روزهای شنبه ۱۳ و یکشنبه ۱۴ بهمن در سالن کلوب  
واقع در خیابان نادری - کوچه نوبهار بیمارض نمایش گذارده میشود  
- ۴۰۷ -



بشما همتي كه جز بالا بردن سطح فكر بوديان ايران و احياء ملت كهنال يهود منظوري نداريد درود بي بايان جوانان پرشور اسرائيل كه همان ايده را تقيب ميكنند - باد.

كتاب عالم يهود با اين نام پامساييكه حاكي از جهان آزاد يهود است - بزرگترين اثراني را كه مطبوعات متين در خوانندگان ميكنند در روح قاريين يهودي مسلك كرده است - و كليبه يهوديان روشن فكر تشخيص داده كه - بايه باين نشر به ملي خواه معنوي و خواه مادي كمك كرد.

اما آن خبر مختصر و كوتاهي كه سر شك غم از دیده مآشرين و دوستان فلسطيني ها جاري كرده است - مرا واداشت كه اطلاعات بيشترى در دسترس قاريين معتزلم بگذارم تا در حقيقت ادا، حق شده باشد.

چهار صد و پنجاه تن مهندس جوان يهودي پس از خدمات شايسته و پر بها در بهراني ترين دوره جنگ بمقتضاي عزم بر شركت نفت ايران وانكليس راترك ميكنند - چهار صد و پنجاه نفر جوان با همت با شرافت - باشاهامت - ايران جزير را ترك كرده و خواهند كرد.

بسوي فلسطين ميروند تا با احدات كيبوتس ها و موشاب عوديم ها بر زمين و آبادي آن بهشت موعود بيفزايند. ميروند تا در سايه اين عمران خانه يهود را آباد كرده و فلسطين را كانون يهوديان رنجبر و زحمتكش اروپا (كه امروز در بازداشتگاهها بامنتهاي حسرت بسر ميبرند) گردانند. ميروند تا با ششصد هزار يهودي فلسطيني - بيكدل و يك جهت جان را فدای ميهن خود كنند.

ميروند تا در صورت ندادن ميهن وامر وجدان كشته شوند تا از كشته شدن و نابودي يهوديان اروپا جلو گيري كنند. ميروند تا با ايجاد كانوني امن از اين قبيل جنگهاي خانمان بر انداز جلو گيري كنند و ديگر آلت و وسيله اي بدست جاني ها و سفاكهاي هيتلري ندهند كه جهان را بخون و آتش بكشاند زيرا روح يهودي طرفدار صلح و آزادي است.

فلسطين ميروند تا بجهان و جهانيان نشان دهند كه متقنين عزيز و دموكرات ما - بوعده هاي خود وفا خواهند كرد و جز آزادي جهان، آزادي ملل كوچك منظوري نداشته و ندارند. و مشت بردهان آن ياره سرايائي كوئند كه ميگويند متقنين آزادي را منحصر به خود كرده اند.

آنها ميروند و رفته اند - ليك افكار آزادي خواهان آن ها از مغيله دوستان ايراني ترننه و نخواهد رفت زيرا اصلا نشان داده كه حرفه و شغلي را كه عده اي آنرا تجارت و بازرگاني خوانند - جز ربا خواري - سود پرستي و ضعيف گشي نام ديگري ندارد.

و بايد ترك شود زيرا كار حقيقي عملي است كه راه نجات و آزادي راهوار كند و سعادت واقعي را پايي شود. افتخار نصيب زحمتكشان و كشاورزان و كارگران است كه بديروي با زوانان تحصيل ميكنند نه بجهت و تندوير آري افتخار و سر بلندي از آن روشن فكران رنجبر است.

نه راحت طلبان سود پر سادت حقيقي در خوشي و راحتی وجدان است - خوشي و وجدان نيست مگر

بقيه در صفحه ۴۰۹

هفت محترم تحريريه عالم يهود نظر باینكه هدف اصلي > عالم يهود < همان همتي است كه انجمن روحاني در مد نظر دارد يعني راهنايي افراد اسرائيل در جاده اخلاق و ديانت و بضموم جلو گيري از عمليات ناپسندیده بعضي جوانان و نظر به تقاضا نامه اي كه از طرف آن هيت محترم رسيد دابر برايكنه خلاصه مباحث انجمن روحاني براي درج در عالم يهود فرستاده شود اينك محترما ميبت قمار را كه بدبختانه در اين روز ها در بين جوانان اسرائيل وحتي در ميان آنهايي كه با پس كندارده اند شيوع دارد و عده اي از متجددين آنت را از ضروريات بلكه از مفارخص تمدن مي دانند به ترتيب كه در جلسه عمومي انجمن در شب دو شنبه ۱۷ ديهه جاري مورد بحث قرار گرفته بطريق عملي و منطقي تجزيه گرديد و چند نفر از اعضا، مستمعين نيز در اطراف آن مقالاتي نوشته اند خلاصه كرده بدنيوسيله تقديم مينمايد كه پس از درج مقرر فرمايند از عموم نيز دعوت شود تا در بيرامون آنت نظريات خود را اظهار نمايند. آنگاه خواهيم ديد جامعه اسرائيل تهران موضوع قمار را چه قسم تلقی مينمايند - و آتاني كه بدین عادت زشت گرفتار شده يا بدان مباحثات ميكنند چه اسلحه دفاعي اي در اين مبارزه اخلاقي دارند و چه كويي در ميدان اين مسابقه ميرانند. چنانچه قضاوت شود كه انجمن از عهده تجزيه و اثبات معاييب قمار بر آمده است اميد ميتوان داشت كه اين بلاي خانمانسوز دست از گريبان يك ملتي كه از جهات اجتماعي و فرهنگي فرسنگها عقب افتاده بردارد و افراد ملت اسرائيل با ترك اين عادت مذموم لا اقل يك قدم در جاده اخلاق و مذهب پيش برونند.

ما معاييب و مضرات قمار را از همه جهات ثابت خواهيم كرد: (۱) از لحاظ مادي (۲) از لحاظ اخلاقي و مذهبي (۳) از لحاظ بهداشت (۴) از لحاظ اجتماعي (۱) از لحاظ مادي

شكي نيست كه اكثر قمار بازان از لحاظ مادي دچار تهيدستي و بدبختي و يك هاقبت فلاكت باري ميشوند. چرا؟ مگر نه اينست كه گاهي مييازند و گاهي ميرند؟

راست است ولي مثل عمومي در اين باب ميگويد كه ( قمار باختن باخت و بردش هم باخت است ) - اما از طرفي مدهي بئتل اکتفا نميكنند و دليل محكم ميخواهد. اينك دليل:

قطع نظر از اينكه بولهاي مجلس قمار غالبا براي دادن شتل يا اجاره محل وامثال آن صرف ميشود بزرگترين دليل

شكي نيست كه اكثر قمار بازان از لحاظ مادي دچار تهيدستي و بدبختي و يك هاقبت فلاكت باري ميشوند. چرا؟ مگر نه اينست كه گاهي مييازند و گاهي ميرند؟

راست است ولي مثل عمومي در اين باب ميگويد كه ( قمار باختن باخت و بردش هم باخت است ) - اما از طرفي مدهي بئتل اکتفا نميكنند و دليل محكم ميخواهد. اينك دليل:

قطع نظر از اينكه بولهاي مجلس قمار غالبا براي دادن شتل يا اجاره محل وامثال آن صرف ميشود بزرگترين دليل

شكي نيست كه اكثر قمار بازان از لحاظ مادي دچار تهيدستي و بدبختي و يك هاقبت فلاكت باري ميشوند. چرا؟ مگر نه اينست كه گاهي مييازند و گاهي ميرند؟

راست است ولي مثل عمومي در اين باب ميگويد كه ( قمار باختن باخت و بردش هم باخت است ) - اما از طرفي مدهي بئتل اکتفا نميكنند و دليل محكم ميخواهد. اينك دليل:

قطع نظر از اينكه بولهاي مجلس قمار غالبا براي دادن شتل يا اجاره محل وامثال آن صرف ميشود بزرگترين دليل

شكي نيست كه اكثر قمار بازان از لحاظ مادي دچار تهيدستي و بدبختي و يك هاقبت فلاكت باري ميشوند. چرا؟ مگر نه اينست كه گاهي مييازند و گاهي ميرند؟

از مباحث حائني

قمار - يا - خانها نسوز

حسي براي ضررمادي قمار اينست كه هر وقت مقامر (قمار باز) مييازد مقداري پول را كه دارايي مسلم و نتيجه دسترئج اوست از دست ميدهد و هر وقت هم ميبرد چون برده خوشي را يك در آمد اتفاقي و هوايي ميداند آنرا بي پروا خرج و حاتم بعشي هاي بيهوده از خود ابراز مينمايد و خلاصه باد آورده خود را بر باد ميدهد.

گذشته از اين مقداري از اوقات كرابههاي خود را در شب و روز تلف ميكنند و حال آنكه ممكن است بنحو بهتري از آن اوقات استفاده شود.

(۲) از لحاظ اخلاقي و مذهبي اولاً بايد ديد آيا قمار موجب توليد كدورت و رنجش بين دوستان

بقلم «سيروس آدر» رهبر كميته اجناس دانشكده معقول و منقول يهوديان امريكا (۱۹۴۰-۱۸۶۳) نقل از (جوئيش تاتز) چاپ امريكا هشتم

قرعه بنام يونس اصابت كندند با اطلاع ده كه اين بلا بسبب چه كسي بما عارض شده؟ شتل تو چا آمده اي؟ از چه قومي هستي؟ جواب داد من عبراني هستم و آسانها كه دريا ها و خشكي ها را آفريده ترسان ميباشم. (بهاول آيه ۸ و ۹)

من نيز ميخواهم پرچم ملتانراز نكهداشته و بجهانيان اعلام دارم كه من عبراني هستم. زيرا خود را ما بين اين دو متولد شده يافته ام - وجود ملت من در دنيا بايستي براي من خداي متعال هيچ چيز را بدون علت و مقصد نيافريده - علل آفر قابل فهم است وليكن علت كوچكي كه بنظر قاصر من ميدهد كه خداوند مرا مورد آزمائش قرار داده كه ببيند چه موقع از من سرور ميگم يا بطور ساده تر نتيجه هر عمل خوب و بد را بين نشان ماير ملل سرمشق باشد - شايد درك مطلب باطنا مشكل باشد وليك تشريح كردش سيارات مشكل تر از تشريح نمو يك برگ درخت است. بمانم مطلب فوق اينقدر ها مشكل بنظر نميرسد.

ملت من كه مثل دانه هاي بزرگ و ناگسستني بهم پيوسته است من ميخواهم جزو يكي از آن دانه ها باشم. ملت من كه قريب چهار هزار سال در مقابل تندباد حوادث محافظت شده و هنوز با پايه هاي محكم خود ايستاده آيا من بايد آنت را ترك كنم؟ ملت من شاهد بت پرستي بوده ( و خدا پرستي و توحيد را براي جهانيان بارمغان آورده ) ملت من شاهد اعتقاد بيه ايان با يلي ها و شاهد رب النوع يونانيا و روم بصيرت روميها بوده الاث هم ميخواهد شاهد علوم و فنون و انكاليهاي اقتصادي عصر حاضر باشد در حاليكه با ايمان راسخ معتقدان خود را بلند نكهداشته و با سير تكامل دنيا پيش ميروند تا ماداميكه ملت من در عقب رها نماند.

ملت من كه مثل دانه هاي بزرگ و ناگسستني بهم پيوسته است من ميخواهم جزو يكي از آن دانه ها باشم. ملت من كه قريب چهار هزار سال در مقابل تندباد حوادث محافظت شده و هنوز با پايه هاي محكم خود ايستاده آيا من بايد آنت را ترك كنم؟ ملت من شاهد بت پرستي بوده ( و خدا پرستي و توحيد را براي جهانيان بارمغان آورده ) ملت من شاهد اعتقاد بيه ايان با يلي ها و شاهد رب النوع يونانيا و روم بصيرت روميها بوده الاث هم ميخواهد شاهد علوم و فنون و انكاليهاي اقتصادي عصر حاضر باشد در حاليكه با ايمان راسخ معتقدان خود را بلند نكهداشته و با سير تكامل دنيا پيش ميروند تا ماداميكه ملت من در عقب رها نماند.

ملت من كه مثل دانه هاي بزرگ و ناگسستني بهم پيوسته است من ميخواهم جزو يكي از آن دانه ها باشم. ملت من كه قريب چهار هزار سال در مقابل تندباد حوادث محافظت شده و هنوز با پايه هاي محكم خود ايستاده آيا من بايد آنت را ترك كنم؟ ملت من شاهد بت پرستي بوده ( و خدا پرستي و توحيد را براي جهانيان بارمغان آورده ) ملت من شاهد اعتقاد بيه ايان با يلي ها و شاهد رب النوع يونانيا و روم بصيرت روميها بوده الاث هم ميخواهد شاهد علوم و فنون و انكاليهاي اقتصادي عصر حاضر باشد در حاليكه با ايمان راسخ معتقدان خود را بلند نكهداشته و با سير تكامل دنيا پيش ميروند تا ماداميكه ملت من در عقب رها نماند.

ملت من كه مثل دانه هاي بزرگ و ناگسستني بهم پيوسته است من ميخواهم جزو يكي از آن دانه ها باشم. ملت من كه قريب چهار هزار سال در مقابل تندباد حوادث محافظت شده و هنوز با پايه هاي محكم خود ايستاده آيا من بايد آنت را ترك كنم؟ ملت من شاهد بت پرستي بوده ( و خدا پرستي و توحيد را براي جهانيان بارمغان آورده ) ملت من شاهد اعتقاد بيه ايان با يلي ها و شاهد رب النوع يونانيا و روم بصيرت روميها بوده الاث هم ميخواهد شاهد علوم و فنون و انكاليهاي اقتصادي عصر حاضر باشد در حاليكه با ايمان راسخ معتقدان خود را بلند نكهداشته و با سير تكامل دنيا پيش ميروند تا ماداميكه ملت من در عقب رها نماند.

ميشود و اگر شخص مبلغ مختصري در بازي ببرد يعني حقيقت آرا از ميدان بازي بيرون برد چه رسوايي از اين بالاتر كه بگويند فلاني آن چند ريال را هم برد و كويي محتاج بان مبلغ ناچيز بود!

باري كدورت و غبار خاطر ممكن است منجر بكيته جوبي و اتمام شود و حال آنكه نص صريح تورا كينه جوبي را نهي كرده است. دوم آنكه قمار توليد تنه جوبي و عصبانيت ميكنند بوزمه تنگامي كه مقامر در فن خود مهارت شان داد. ولي بخت يا تصادف روي خوشي بوي نشان نداده باشد. بسا كسا كه بر اثر عصبانيتي شدن به هيچ نياميده تا كارش بگيرد انجا ميدهد است اسوم آنكه همان مقامر ماهر چون لجاجت چرخ كچ رفتار را ديد و از اطالع برگشته خود نوميده گرديد احتمال قوي دارد كه درد خود را از راه نادرستي درمان كند و ضرر خويش را با حيله و دروغ جبران نمايد و از اين رهگذر از قوانين اخلاقي و مذهبي منحرف گردد

چهارم آنكه قمار انسانرا و ادارمي كند تا بخرافات و فقه يده و موهوم و بي اساس كه مغالط نص صريح توريه است معتقد شود. آيا ندیده ايد چكوه مقامر عقیده پیدا میکند باینكه گرفتن ورق از دست فلان يا پول از دست بهمان يا نشستن در کنار يا میان برای وی خوش بين يا بد بين است؟ پنجم آنكه غرورگريزگان بقمار اوقاتي را كه بايد صرف رسيدگي با و ورخانه و خانواده شود بيهوده برباد ميدهند و كار ايشان عاقبت منجر به نزاع هاي خانوادگي و در نتيجه نوز و فرزند ميگردد ( بقيه دارد)

بقیه از صفحه ۴۰۸

مهندسين فلسطيني از ايران ميروند خدمت بنوع - فدا كاري در راه آزادي فهمانند كه موجود شريف و فرزنده ميهن كسي است كه بيهين خوش خدمت كرده و فدا كاري كند و وظايف يهوديان ايران آنست كه بر خدمات خود بايران عزيز تا سرحد امكان بيفزايند زيرا ايران و روشن فكران ايراني كه ناينده ملت ايرانند در سايه تعاليم درست دين اسلام در يافته اند كه يهوديان ايران با آنها برادر و برابرند و اشاء الله در سايه هدين مودت و دوستي متقابل است كه ايران آن مقام را كه شايسته آنست احراز خواهد كرد. آري افراد يهودي فلسطيني با اين افكار بلند و پر بهام ميروند تا با پشتيباني خدای يهود و نيروي كار و كوشش - جان بازي و فدا كاري حق خود را بگيرند زيرا بايد اند حق گرفتن است نه دادني.

خدایا تو پشتيبان و حافظ آنها در راه آزادي ارتس اسرائيل باش - آرزو و

تمناي قلبی آن رادمردان غيور را بر آرتا جهان بداند > عهد تو با يهود فراموش شدني نيست <

< خبر و ستقريان > ۴۰۹ -

نگارش - حينا ملامد

چطور خواننده شهر ايراني دل و قلوبه مفروضد خصلت يك خانم ايراني!

قسمت شمالي چهار راه حسن آباد يا بقول شاگرد شوفرها ميدان هشت گنبد و بروي محل اطفائيه مرکز توقف اتوبوسهاي شهري ميباشد كه شاگرد شوفر ها با نره هاي خود دائما مسافرين را دعوت مينمايند. روبروي اطفائيه قهوه خانه اي و جنب آن محل مشروب فروشي است و جنب اين مشروب فروشي درست در پاي تابلوي راهنايي اتوبوسها شخصي مشغول كباب كردن دل و قلوبه و چكر ميباشد اكثر شوفر و شاگرد شوفر ها در ايستگاه با انتظار تكميل مسافرين معده خود را از كباب دل و قلوبه و چاي قهوه خانه گرم و خود را آماده مبارزه با مردم و آژانهاي راهنا مينمايند - روز چهار شنبه ۱۴ آذر مقارن چهار بيمه از ظهر از آن عمل ميگذاشتم نگاه متوجه شدم كه خاني با كفش ماهوتي بسيار شيك و چوراب ابريشمي مشكي و بالنتوي قهوه اي نيم خز و روسري قهوه اي كه بدور گردن پيچيده بدون پروا جلومردم مشغول باد زدن منقل كباب است و شخص كبابي هم مشغول سيخ كشيدين دل و قلوبه و چكرها ميباشد حس كنجكايوي مرا وادار كرد كه اين بانوي آبرومند را كه با اين هيكل و اين لباس و بز شيك باين شغل شريف مشغول شده بشناسم چون پشت او بين بود جلو رفتم و باو نگاه كردم و از فرط تعجب بجاي خوه خشك شدم وقتي خانم قمراللوک و زبيري خواننده شهر ايراني را ديدم كه با كمال بي پروائي با دستي باد ميزند و با دست ديگر ذغالها را انبساط و آن طرف ميكنند و سيخها را زير و رو ميكنند اسوس كه اسباب عكاسي نداشتم تا اين منظره را عكس برداري كنم باري گوشه اي ايستادم اتفاقاً يكي از دوستانم رسيد او را هم متوجه كردم و يكي دوتا دكانداران هم متوجه شدند و كم كم پيچ پيچ > اين را بين شايع شد و نظر عايرين هم بخانم جلب شد و ايشانهم كامي سر خود را بلند ميگردند ولي اين اجتماع هيچ تاثيري در ايشان نيمشود وقتي كباب حاضر شد خانم از كيف خود روزنامه اي در آورد نان و كبابها را در آن نهاد پيچيد و بهاي آنها را پرداخت و از بين مردم باجمله رد شد بطرف اداره اطفائيه يعني آنطرف خيابان رفت من هم با رفيق خود بدنياال او رتبه ديديم از کنار خيابان بسوي حمام اطفائيه معروف بجمان چني كه الان خراب شده رفت و در كنار ديوار ديديم كه سكي بساي شسته ناله كنان خوابيده است خانم خم شده روزنامه را باز نمود و خوراك را پيش سك نهاد و آتقدر ايستاد كه سك بينوا كبابها را خورد و براي تكميل اين عمل يسايقه مبلغ دو ريال بيك ظلمي داد كه آب براي حيوان بياورد سپس بدون اينكه بکسي حرفي بزند بسوي تاكسي روان سوار شده رفتند - بله اينست احساسات يك زن خوش قلب و روف مهربان.

بقیه از صفحه ۴۰۸

مهندسين فلسطيني از ايران ميروند خدمت بنوع - فدا كاري در راه آزادي فهمانند كه موجود شريف و فرزنده ميهن كسي است كه بيهين خوش خدمت كرده و فدا كاري كند و وظايف يهوديان ايران آنست كه بر خدمات خود بايران عزيز تا سرحد امكان بيفزايند زيرا ايران و روشن فكران ايراني كه ناينده ملت ايرانند در سايه تعاليم درست دين اسلام در يافته اند كه يهوديان ايران با آنها برادر و برابرند و اشاء الله در سايه هدين مودت و دوستي متقابل است كه ايران آن مقام را كه شايسته آنست احراز خواهد كرد. آري افراد يهودي فلسطيني با اين افكار بلند و پر بهام ميروند تا با پشتيباني خدای يهود و نيروي كار و كوشش - جان بازي و فدا كاري حق خود را بگيرند زيرا بايد اند حق گرفتن است نه دادني.

خدایا تو پشتيبان و حافظ آنها در راه آزادي ارتس اسرائيل باش - آرزو و

تمناي قلبی آن رادمردان غيور را بر آرتا جهان بداند > عهد تو با يهود فراموش شدني نيست <

< خبر و ستقريان > ۴۰۹ -



### راجع باخبر

باینکه مکرراً از انجمنها و کلوبها خواش شده است که اخبار جاری و هفتگی عملیات خود را برای ما ارسال دارند تا ما هم مطلع باشیم. معذرتا سفا نه از طرف آنها مراعات نشود و ما هم مجبوریم اخباریکه افواها شنیده ایم طبع نائیم در اینصورت هرگاه خبری از طرف ما بطبع برسد و بعداً تمام یا قسمتی از آن تکذیب شود ما از خود سلب مسؤلیت می نائیم (عالم یهود)

### اخبار شهر ستانها

ازارک خیر میدهند که ایسرائلهای آن محل با هزار خون دل مبلغ ۱۷۲۰۰ ریال برای خرید حمام جمع آوری نموده اند و برای اداره نمودن دبستان و امور اجتماعی بهر چارگی گوشت ۶ ریال اضافه نموده اند و وجوهی نیز از این باب جمع آوری شده است ولی اخیراً در اثر اختلاف نظر و دوستی که ایجاد شده مبلغ اولی بصاحبان آن مسترد شده و مبلغ جمع آوری شده از محل قصابخانه هم را کد مانده است -



عالم یهود - ما امید داریم که انجمن کلیسای و انجمن جوانان از راه تعقل این اختلافات را مرتفع نموده و سر و صورتی باوضاع داخلی خود ببندند.

### جشن های درختکاری (ایلانوت)

گزارش جشن های درختکاری بنسب ایلانوت که در شماره قبل بدانها اشاره شد از این قرار است: (۱) بعد از ظهر پنجشنبه ۱۵ شواط (۲۷ دیماه) از طرف انجمن اغودت حثیم جشن مفصل درختکاری بنحوی که میتوان گفت تاکنون در ایسرائل سابقه نداشته است در بهشتیه قدیم با حضور عده کثیری مرد و زن و اطفال منعقد گردید.

از قرار معلوم برنامه جشن با تشریک مساعی و تحت نظر آقای سلیمان حثیم تنظیم شده بود. مشارالیه در ظرف مدت قلبی هفده نفر از شاگردان خردسال دبستان را با زحمات زیاد در منزل خود برای خواندن سرودهای عبری تربیت کرده بود که بارهبری پرویز حثیم انجام وظیفه مینمودند. ضمناً عده ای از جوانان حساس و ملت دوست ایسرائل که دارای ذوق سرشاری در موسیقی هستند از جمله آقایان پرویز ملید و ابراهیم روح افزا افتخارا برای نواختن سرودهای ملی و مذهبی حاضر شده بودند.

برنامه اساساً عبارت بود از سرودها و نطق هایی که یک در میان خضار را مشغول می کرد و تنفس هایی داشت که جمعیت می توانستند از بوفه مفصل و آبرومندی که انجمن تدارک دیده بود استفاده نمایند. سرانندگان خرد سال که بر گهای سبز اندام آنها را پوشانده بود در زیر چادر مخصوصی بر بلندی قرار گرفته بایلچه های ویژه که در دست داشتند خود را برای مراسم درختکاری مجهز کرده بودند. صدای های شیرین و تربیت شده آنها توأم با آهنگ های آلات موسیقی فضای باغچه بهشتیه را مملو ساخته درختان را به اهتزاز درمی آورد.

پس از سرود هتقو آقای نی داود از طرف انجمن نطق مختصری در بیان مقصود و توضیح معنی و اهمیت جشن ایلانوت ایراد نمودند. نطق

بعدی بعهده آقای سلیمان حثیم بود که ما خلاصه مفید آنرا ذیلا بنقل خوانندگان میرسانیم - «عدم موفقیت هر انجمن برای نیل بهرام و انجام تعهدات خیریه ما کرده است و منوط بدو رشته دلائل است: دلائل داخلی و دلائل خارجی. از جمله دلائل داخلی بی ایمانی در صف اول قرار میگیرد (اغودت حثیم ایمن به آخرت بر سرور زمان و مقتضیات و بقای روح دارند و الا علاقه با یاد کردن قبرستان که بزبان عبری دار الحیاتش می نامند پیدا نمیکردند).

دوم خود نایمی و میل جلب ستایش از طرف عامه است که بنیان هر انجمن را بس از اندک مدتی متزلزل میسازد. سوم عدم ثبات و بی طاقتی در تحمل نا ملایمات و شنیدن سخنان ناگوار از عامه مردم است.

اما از جمله دلائل خارجی اول عدم نیشیبانی از طرف ملت بخصوص در تائید بودجه آن انجمن و دوم گفتن همان سخنان ناگوار و اظهار عقیده های بی مورد و یاس آور می باشد.

پس از نخستین عملیات اغودت حثیم که با وجود مضیق مالی و تحمل سختی های گوناگون ییابانی را تبدیل بگلستانی نمودند آقای حثیم روی این آیه از زبور حضرت داود ۴ که (دوستان خدا مانند درختی نشاندند بر تهر های آب خواهند بود که میوه خود را در موسم میدهد و برگش پژمرده نمیشود. هر آنچه میکند نیک انجام خواهد بود) صحبت نموده آنرا بوضع درختکاری نسبت دادند و نطق ایشان در اینجا خاتمه یافت.

سپس شروع به فروختن افتخارات غرس درختان گردید و بسیاری از حضار هر کدام در برابر دادن وجوهی که بطریق مزایده بدست آمد بود درختی را در دست گرفته منتظر نوبت درخت کاری شدند و آقای شلوموگن صدق نیز که در این موقع رسیدند بایانات موثر خود عموم را بخیریدن درختان تشویق نمودند.

در آخرین و حله سرانندگان با خواندن سرود مخصوص درخت کاری که در فلسطین میخوانند از جلو و جمعیت از بی آنان برای غرس اشجار در گردالهایی که قبلاً تهیه شده بود سوسی محل کار رهسپار گردیدند.

### جشن ایلانوت در کلوب

بر حسب دعوتیکه قبلاً از طرف دبیرستان اتحاد بافتخار ورود آقای سیدت با زرس کل آلیانس بعمل آمده بود و از ظهر روز ۵ شنبه ۱۵ شواط مطابق با ۳۷ ماه جاری عده کثیری از محترمین تهران و نمایندگان انجمن ها و روسای دبیرستان اتحاد و دبستان کورش در محل کلوب حضور بهم رسانیدند در این جشن که نظیر آن تا بحال از تهران در ایسرائل داده نشده است اطفال کلانسال دبیرستان و دبیرستان های نامبرده حضور داشتند ابتدا آقای کهن رئیس دبیرستان اتحاد نطقی مبنی بر اهمیت کلوب و خوش آیند خضار و تبریک ورود آقای سیدت بتهران بیان نمودند سپس آقای استیغان شاگرد کلاس سوم متوسطه نطقی بزیای عبری دادند و بزم همکاری و اتحاد و اتفاق بیان نمودند که با کف زدن منتد حثیم خانم یافت و بعد نطقهای دیگری از طرف آقایان کلان بوم نایبند سوختن و دیگران بعمل آمد و سپس نمایش جالب توجهی از طرف دانش آموزان داده شد. این نمایش که با بدیثرائیها گرم توأم بود تا مقارن ساعت ۹ دوام داشت

### بقلم یوسف صداقت

## توسعه

واژگون خواهد کرد ترس ما در تنبلی و لاقیدی. تسلیم در مقابل شدائد و رضایت از ناگوار است و این اندیشه منبع

فسادی است که جامعه ما را چنین دچار تنگی و انحطاط کرده است. بی علائقی ما را با اجتماع و سر بریز بودن و در مقام گرفتن حق برنامدن را میتوان بتریاک شبیه ساخت که با وجود نشاط و نشه ای که ایجاد میکند معتاد را از خوشبهای واقعی حیات محروم میسازد. به زور گوئی و زورگو با دیده تحسین نگرستن، باطل را حق و حق را باطل جلوه دادن، در گفتار صمیمیت فروختن و در کردار عداوت نمودن و هزاران اعمال بست و مششوم دیگر بوسیله ترس در باطن ماسرشته شده است.

بطور کلی شجاعت و رشادت اجتماعی در ملت کنونی ما صورت واقعی ندارد و در اثر تلقین خرافات و یا تبلیغ افکار غرض آلود عده ای خائن نه تنها روح شجاع و رشادت ملی ما را از بین بردند بلکه ترسیدن و توسری خوردن را هر دم با تلقین کردند. در این دوران دراز و متدای طوری ما را معتاد به لاقیدی و سادگی و تسلیم بودن محض بار آوردند که بنظر اکثر ملل عالم جز ملتی ترسو و جیون معرفی نشده ایم

ترس در جامعه ما خواهی نخواهی در اثر چند عامل مهم و اساسی پخته کرده است و هر چه بیشتر در این وادی ظلمت و اسارت بسر بریم پیرا در روح ما ریشه دوانی خواهد کرد.

طبیعی است برای فردی که در روز دستگامی داشته و با خوشان و اقربا در شهری آباد بامکتی سرشار و مکاتی تمام مزیت است و امروز سر و بیابان نورد و بی خانمانست، تصور ناپایداری جهان و بی ارزشی زخارف و حطام دنیوی و همچنین ترسیدن و سرخوشی را همیشه بریز انداختن تصویری عادی است.

قوم یهود سالهای متدای دارای تشکیلات مملکتی است - آسایش - بزرگی و جلال بوده است. در اثر حمله و استیلای تبتوس پسر و سیازین امیر اتور و کشتارهای بی حد و حصر وی این ملت کم کم در اطراف و اکناف عالم پراکنده گشته و آن روح غیور و شجاعت خویش را در طی دوران گالوت از دست داد تا امروز که سیاهترین روزگار خویش را میگذرانند رسید

در طی این دوره های سیاه هسایه نشینی علاوه بر عوامل طبیعی که بزمردگی روح ما کمک کرده است دستهای پلید اشخاص مزوری هم که اغلب سر پرستان و رؤسای قوم ما بوده اند در جین ما دخالت داشته است، چه آنها مبلغ اینگونه افکار سست پایه و مروج افکار درویشانه و ناعانت کردن بناچیزی و توسری خوری بوده و پیوسته شعله روح شجاع گذشته ما را خاموش کردند تا با امروز که روح ما بروح خروسانی شباهت دارد که هنوز تجربه نیندوخته و بر اساس احساس زندگی میکند نه بر میزان عقل و قضاوت.

آیا میدانید چرا حق ما را میبرند و ما جرأت دفاع از حقوق حقه خویش را نداریم؟ این گالوت سیاه نداریم؟ چرا پهر کجای قدم گذاریم است سیاه هر ملتی بروی فرمان کوفته میشود و در برای خواری و خفت غرق میشود؟ اینها و هزاران بدبختی دیگر که گریبان گیر جامعه ما شده است در اثر جین و نرستی است که در روح پاک ما رخنه کرده است و جبهه شکاف هر دم عظیم تر میگردد تا سرانجام عمارت آلمان ما را که سالی دراز میبری کرده ایم

در طی این دوره های سیاه هسایه نشینی علاوه بر عوامل طبیعی که بزمردگی روح ما کمک کرده است دستهای پلید اشخاص مزوری هم که اغلب سر پرستان و رؤسای قوم ما بوده اند در جین ما دخالت داشته است، چه آنها مبلغ اینگونه افکار سست پایه و مروج افکار درویشانه و ناعانت کردن بناچیزی و توسری خوری بوده و پیوسته شعله روح شجاع گذشته ما را خاموش کردند تا با امروز که روح ما بروح خروسانی شباهت دارد که هنوز تجربه نیندوخته و بر اساس احساس زندگی میکند نه بر میزان عقل و قضاوت.

### ترجمه: العازار کوهنصدق

## جوانان علییا

موقعی که ایسرائلهای اروپا قرون وسطی را طی میکردند شباهت روز بفراتر از ایسرائل بوده و آرزو داشتند که روزی موفق بدیدن سرزمین اجدادی شوند ولی متأسفانه ۱۷۰۰ سال گذشت و تعداد ایسرائل آن کشور به هزار نفر نرسید. ولی امروز از برکت زحمات (قرن قیمت) و (قرن هیسود) جمعیت کثیری بالغ بر قریب نیم میلیون ایسرائل در ارض مقدس زندگی میکنند که روز بروز بر تعداد جوانان برومند و نیرومندشان افزوده میشود.

این نونهالان را با بکشت و زرع یا صنایع مشغول نموده و سعی میکنند تا آنها را افراد خوبی برای کانون ملی ایسرائل بار آورند. از سن ۱۵ تا ۱۷ بین کارگران و تحت نظر رهنمایان «مدرشیم» آنها را هم فلاح و هم زبان عبری آموخته و تاریخ کشور و ملتشانرا با آنها تعلیم میدهند و از همان موقع آنها را عضو جامعه بشمار میآورند. باین ترتیب (قرن هیسود) موفق گردیده که قسمت اعظم این جوانان علییا را تربیت نموده افراد مفیدی برای کشور بار آورد و این جوانان هم امیدوارند که (قرن هیسود) کنگهای لازمه را با آنها بقدری ادامه دهند که بتوانند خود را اداره نموده و با نیروی فکری یا بدنی خود تحصیل معاش نموده و آزادانه زندگی کنند تا باین ترتیب ارتص ایسرائل جدید آباد گردد.

واژگون خواهد کرد ترس ما در تنبلی و لاقیدی. تسلیم در مقابل شدائد و رضایت از ناگوار است و این اندیشه منبع فساد است که جامعه ما را چنین دچار تنگی و انحطاط کرده است. بی علائقی ما را با اجتماع و سر بریز بودن و در مقام گرفتن حق برنامدن را میتوان بتریاک شبیه ساخت که با وجود نشاط و نشه ای که ایجاد میکند معتاد را از خوشبهای واقعی حیات محروم میسازد. به زور گوئی و زورگو با دیده تحسین نگرستن، باطل را حق و حق را باطل جلوه دادن، در گفتار صمیمیت فروختن و در کردار عداوت نمودن و هزاران اعمال بست و مششوم دیگر بوسیله ترس در باطن ماسرشته شده است. بطور کلی شجاعت و رشادت اجتماعی در ملت کنونی ما صورت واقعی ندارد و در اثر تلقین خرافات و یا تبلیغ افکار غرض آلود عده ای خائن نه تنها روح شجاع و رشادت ملی ما را از بین بردند بلکه ترسیدن و توسری خوردن را هر دم با تلقین کردند. در این دوران دراز و متدای طوری ما را معتاد به لاقیدی و سادگی و تسلیم بودن محض بار آوردند که بنظر اکثر ملل عالم جز ملتی ترسو و جیون معرفی نشده ایم. این خود بزرگترین عامل اضمحلال ما است. بقدری این حس خانمان بر انداز را در نهاد ما تقویت کردند که تصور شجاعت و قدرت خالی از اشکال نیست. بشواهد تاریخی و کتاب مقدس ما تورات، یغبران و ییشویان مذهبی و ملی ما همیشه و در همه وقت بوسیله روح دلبری و شجاعت که در جامعه آن روزی ما تلقین میکردند ما را با جوج کمال رسانیده و سرآمد اقربان نمودند و صریح تورات مقدس ما است که میفرماید «دندان عوض دندان - چشم عوض چشم - دست عوض دست» این جملات میرساند که تنها راهنا و حکمروای جامعه آن روزی ملت یهود بیروی از قانون و دفاع از حق خویش نبوده است، در آن روزها بوسیله تبلیغ اینگونه افکار جامعه یهود را مردمی شجاع دلیر و سر بلند تشکیل داده بود اگر کمترین اجحاف و یا سوه نیتی نسبت بقدری میشد فوراً در مقام گرفتن حق مسلم خویش بر میآمد و در این راه مبارزه میکرد. ولی امروز ۰۰ چهرض کنم. (بقیه در صفحه ۴۱۳)



## بانوان ، دوشیزگان

### مواظب حرکات خودتان باشید

بعضی خانمهای معترم خیال میکنند که فقط داشتن زیبایی جمال برای جلب توجه دیگران کافیست فقط بافتن رعنای زلف زیبا میتوان نظر مردم را نسبت به خود جلب کرد در صورتیکه این خیال باطل و بی اساس است درست است که در اولین مرتبه زیبایی جمال ظاهر و خود نمایی جلوه گیری و پل است ولی تنها قشنگی و لطافت ضامن حسن نظر دیگران نمیتواند باشد آنچه برای بقای اعتبار و تائید آن ای نفوذ خانمها در بین مردم لازم است حسن رفتار و سنگینی و وقار و خانه داری است مثلا ممکن است یک بانو در مجلس جشن و سرور بتواند جلوه های زنانه و خود نمایی های ذاتی خود را برای جلب توجه مهمانها بکار برد و تائید آن هم موفق شود .

ولی آنچه باعث تحکیم آن توجه و دقت آنی است آشنایی بر موز و تقابلی رفتار و طرز صحبت و پذیرایی می باشد هر مردی نمیتواند با خوب پوشیدن و خوب گرم کردن و عشو و ناز و ادا آمدن جای ثابتی در دلها برای خود پیدا کند بلکه افراد در کارها و حرکات باطل باعث تنفر دیگران خصوصا مرد ها از وجود لطیف و گرم شما خواهد بود مردها با اینکه زود فریفته زیبایی و حرکات مقبول میشوند ولی در رجحان یکی بر دیگری و اظهار عقیده کامل خود در خوبی و بدی خانمها یا دوشیزگان با عقیده و تیر خود مشورت میکنند آنوقت است که ندانم کاری های بعضی ها باعث سرفکندگی خود آنها میشود نتیجه تلخ و تازانگیز آنهم مستقیما متوجه خودشان خواهد شد .

من خودم بارها شنیده ام که مردی خانمی را بی جهت زیبایی و جمال او تعریف کرده ولی موقع قضاوت در خوبی و بدی خانم معترم رای منفی داده یا اصلا سکوت اختیار نموده است میشوند که می گویند فلان خانم یادوشیزه جوان خیلی قشنگ و دلرباست ولی حیف که نمی جلف و لوس است .

البته این طرز قضاوت درباره یک بانو یا یک دوشیزه چندان خوبی ندارد .

خیال نکنید که برای زندگی و برتری در میدان زندگی تنها جمال و زیبایی کافیست و اگر همین برتری

و اداشته باشید سعادت مند میشوید خیر متاسفانه زیبایی نه تنها نمیتواند بنای محکمی در زندگی اجتماعی ایجاد کند بلکه قادر هم نیست که در خرابیها صدماتی از عدم آشنایی و معاشرت متوجه میشود .

پس تنها زیبایی و طنازی ضامن سعادت نیست بلکه حسن سلوک و طرز رفتار و اخلاق و خانداری در آن موثر است .

خانمها و دوشیزه گان گرامی اگر میخواهید خودتان را بی چشم دیگران بکشید و خود نمایی بکنید باز هم مجبورید که نکات

## بازهم درباره

### « برای زنان بس بود این هنر

نشسته و زاینده شیران نرسد  
دوشیزه بروین حکیم درس تباریک بن آموختند سپاسگزار  
ولی دانسته باشید که هر درخت برای بقای نسل خود تشکیل میدهد میوه بعضی درختان مانند درختان ( زینتی ) ارزش آنرا فقط از نظر ازدیاد نسل میباشد، ولی میوه بعضی درختان دیگر علاوه بر اینکه ارزش بالا را دارا میباشد قسمتی از حواجج بشر نیز مرتفع میسازند .

م منظور من میوه ایست که علاوه از تکثیر نسل نتایج دیگر را نیز در بر دارد .

من نوشته ام زنان از عهد مبارزان اجتماعی بر نیامدند . مبارزات اجتماعی مبارزاتی است که بقا و حیات اجتماع وابسته بدان است ولی شما مبارزه اجتماعی را فقط بجه داری ، خانه داری و شغل داری تمیز نموده اید ، اگر چنین است از بدیهیات سخن رانده اید .

کدام مردیست که طرفدار علم معرفت زن نباشد؟ کدام مردی است که پرورش و تربیت فرزند خویش را اسلوب صحیح نخواهد ؟

کدام نابینا مردیست که خواهان حسن رفتار و سلوک زن در خانواده نباشد ؟

شما از اصل موضوع چشم پوشیده و برای پایمال نمودن مطالب اصلی و بر تسکین حسن نظر من بملطه کاری متوسل شده اید .

من نوشته ام برای زنان . . . دانست مادری که بخواهد فرزندش را و با ایمان و اراده تحویل جامعه دهد ، مادری میتواند بود ؛ البته ، مادری از علم و دانش بهره داشته باشد ، مادری که خود تربیت کامل یافته تاروژی بتواند مربی فرزند خویش گردد ، مادری ایمان و فداکار تادرس شهامت و فداکاری بفرزند خویش بیاموزد ؛ اینانند محبتانی که یک زن که وظیفه مقدس مادری را عهده دار است باید دارا باشد .

زنان در مبارزات اجتماعی شرکت نباید از وظیفه خود در اجتماع باز خواهند ماند و در اثر عدم مراقبت فرزندان ناایمن تحویل جامعه خواهند داد .

دیگران خواهند بود . قانون الهی بان اشاره کردم همین است که در

پیدایش باب ۱۶ مرقوم است که خداوند بزرگ گفت تو نسل خود را تکثیر نما و شوهرت بر تو مسلط باشد و برود گیت با هر جنین نان بخورد اما حکمت الهی ، جمله ایست که خود نگاه داشته اید . بقیه در صفحه ۱۳

قابل توجهی را که گوشزد کردم مراعات کنید زیرا ممکن است زحمتی بفرود هموار کنید و در جلب توجه دیگران بکوشید و هم بشوید ولی بایک رفتار ناپسند و دوز از منات تمام رفته و زحمات خود را بیهوده بکنید

« دوشیزه ملیحه ابریشیان »

( نکته سنج )

## بازهم درباره

### « ترس »

در چیزی که همان است چه حاجت به بیان است .  
جوانان ما ، جوانانی که باید رهبران حقیقی این قوم کهن و فرسوده شوند جوانانی که باید حافظ مذهب حقیقی و توده بود کردند عادت بترسیدن و سر خویش را باین انداختن نموده از خواب غفلت بیدار نشده اند .

پدران و مادران ما هم که در اثر اینگونه تعلیمات سیاه بزرگ شده اند ، فرزندان خود را که باید پدران آینه باشند ترسو و ساده لوح بار آورده و مترصدند که همواره زندگی را ساکت و آرام گذرانند .

سالمه است بگوش ما میخوانند بلند حرف نزنید ممکن است مایه مایه رود ، ساکت و آرام باشید و از گوشه خیابان اجتماع حرکت کنید و غیره و غیره .

چه نتیجه ای از مجری کردت اینگونه تعلیمات پست و تنگ آوارهاید ما هم چه جز اینکه مردم برسایه و تیره کی دوران آوارگی ما افزوده شد جز اینکه در برابر همه گونه اجحاف و تعدی که از کس و نا کس با ما عملی میشود تسلیم محض بودیم و دم نیز دمیم . این بدبختی ها چه اثری دیده ایم و چه قدمی بسوی سعادت برمی شدیم ؟

ملل بزرگ عالم در اثر تلقین روحیه های قوی با افراد خویش مردم بقدرت سیاسی و اجتماعی خویش میانزایند و در تکامل اجتماع خویش کوشش میکنند .

تنها ملتی پس از اسارت و آوارگی میتواند شاهد آزور و آزغوش گیرد که روحی قوی و شجاع داشته و هر موقع مترصد اخذ حقوق از دست رفته خویش باشد .

روی این اصل ما هم باید بصدق مثل معروف « از تو حرکت برکت » در همه حال و همه جا طالب حق خویش باشیم تا بر این اساس با آب گوارای چشمه سعادت آتش ترس را از دامان خویش برداریم .

پدران و مادران که کار گذارنده اولین سنک زندگی فرزند باشند باید این منظور مقدس را از نظر دور نداشته و هر دم روح سعادت و رشادت را در نهاد فرزندان خویش مستکن سازند فرزندان خویش را عموما به ورزش کردن عادت دهند و بدانند که ورزش تنها کارومی است که ترس را از انسان زایل میسازد و بطور کلی شخص ورزشکار دارای روح شجاع بوده و زیر بار زور و نا حق نمی رود .

در اثر تلقینات بی دردی بخود در مدت کوتاهی میتوانیم این سنک را از قلب خویش پاک کرده و حیسات خویش را قرین سعادت نماییم .

ترس باعث بدبختی و سرشکستگی است .

### مراکز فروش عالم یهود

- چهارراه یوسف آباد - چاپخانه بوستانی
- روزهای سه شنبه و چهارشنبه از روزانه فروشها
- خیابان سیروس بازار بزارها سلیمان شهابی
- هندان - درب حکیمخانه - منازه طبیبی
- برمانشاه - بنگاه مطبوعاتی فرشته
- شیراز - بنگاه بخش مطبوعات
- رشت - آقای فریدون ابراهیمیان
- بروجرد - دبستان اتحاد
- خیابان پهلوی - چاپخانه لایوان
- اهراز - منازه اتحاد
- سیروس
- اصفهان - چهارباغ - منازه شمشیان
- اصفهان - چهارباغ دستریج میهن
- اراک - سرای آقا - آقای سلیمان روبنی
- پابل - آقای اسماعیل بابی

## بازهم درباره

### بقیه از صفحه ۴۱۲

« مامیدانیم وضعیت جسمانی و عقاید ما باین امور مبنایت دارد ، در دسترس بوده ولی شما بی نبرده اید زنان در اجتماع بواسطه وظیفه مقدس و مهمی را که عهده دارند . مردان آنان را بنظر احترام می نگرند در کجای نوشته من یافته اید که زنان حق حیات و آزادی ندارند ، این جمله را از کجا بدست آورده اید ، حال که سخن از آزادی بیان آمد باید دانست ، اگر مقصود از آزادی آزادی بنظور تحصیل دانش و فرا گرفتن آداب معاشرت و تامین خوشوقتی خانواده باشد - نهایت آرزوی مردان است و در غیر اینصورت سودی از آن متصور نخواهد بود .

زنانیکه دارای افکار بلند و شهامت و لیاقت می باشند ما اینند که در تمام امور اجتماعی شرکت نمایند ولی زنانیکه آن شهامت و فداکاری را در خود سراغ ندارند از این آرزو مستثنی خواهند بود من حق مادری را بزرگترین حق اجتماعی برای زنان دانسته و آنان را مورد ستایش قرار داده ام ، زنانیکه دارای منطق قوی هستند میبایست در اثبات ارزش زنان از نظر پرورش و تربیت از نوشته من پشتیبانی نمایند .

اگر من زنان را تحقیر نموده بودم آنوقت سزاوار بود که قلم دردست گیرند و از حق خود دفاع نمایند . ( مسیح سلیمانی )

### بقیه از قسمت ۲۳

### تشکیلات

### « س »

## کمیسیون فرهنگی

این کمیسیون با در نظر گرفتن میزان نقص فرهنگی اسرائیل ایران و پایه ارتقاء آن بایستی برنامه چند ساله قابل اجرا یک با مقتضیات زمان و مکان و تق دهد تهیه نماید و در راه عملی کردن آن جدا بکوشد .

این کمیسیون به کمک شعبات فرعی خود بایستی رابطه مستقیم خود را با کلیه شهرستانها برقرار نماید و احتیاجات آنها را از هر حیث نسبت بامور فرهنگی رفع کند .

حال چنانچه اولیای امور و فواریین ملت خواستار سعادت و ترقی ملت هستند و از بدبختی و پربیشانی اکثریت افراد اسرائیل ایران در عذابند بایستی از طریق اصلاح وضع فرهنگی داخل میدان شوند و برای باسواد کردن اکثر افراد ملت بکوشند و گرنه مانند صدها سال گذشته و امروز زحمانشان بیهوده تلف شده و کمترین نتیجه ای بدست نخواهند آورد .

اگر اکثریت دارای سواد و اطلاعات شوند بیش از نیمی از معایب جامعه از بین رفته و خود بخود بدون تعریک دیگران در نتیجه روشن شدن فکر توده خواستار ترقی و اصلاح خواهند شد و در رفع معایب خواهند کوشید و در واقع میتوان گفت که در آنوقت هر فردی طبیب دردی خواهد شد و به بهبودی حال پریشان اجتماع خود کمک خواهد نمود .

ولی تا خود خواهی و جاه طلبی و نفع پرستی در میان ما رواج دارد و مسئولین ملت خود را اصلاح نکنند و حقیقتا برای ملت آماده خدمت نشوند کلیه این پیشنهادات و انتقادات و هزاران نقشه مفید تر دیگر جز خواب و خیالی نخواهد بود .

اگر سالها برای ما از معضلات و اثرات ملت و مفید فرهنگ بگویند در آخر کار پشت گوش خود را خارانند و میگویم « آ یا بولی ازش در میاد ؟ »

مفهوم این شعر در جامعه ما صدق پیدا میکند .

من گنگ خواب دیده و مردم تمام کر

من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش



# مسابقه زیبترین کودکان



بیژن مهدی زاده

فرزند آقای الیاس مهدی زاده - ۷ ماهه متولد تهران



**شرکت کنید**  
عالم بهبودی در نظر گرفته است برای تشویق و تحسین بود عکس شاگردان اول هر کلاس را بچاپ رساند. لذا بدین وسیله از اولیای نو آموزان و دانش آموزان تقاضا میشود که عکس محصلین مزبور را با ذکر نام مدرسه و معدل و معرفی نامه دبستان یا دبیرستان مربوطه برای ما ارسال دارند.  
عکس سمت چپ پوراندخت اخترزاد (دختر دکتر ناصر اخترزاد) شاگرد اول کلاس اول دبستان کورش تهران

## قصه کودکان

### قاصد زرنگ

-۴-

یوسف کوتوله در خدمت شاه حاضر شد و زمین ادب بوسید و عرض کرد اعلیحضرتا کترین غلام متعهد میشود که در ظرف دوازده روز امر مبارک را اجرا نماید.

پادشاه از مراتب کفایت و خدمتگذاری یوسف کوتوله خیلی شوقش شد دستخطی توسط او به دختر خود مرقوم فرمود که شمشیر و گرز سلطنتی را بختیار حامل گذارد.

یوسف کوتوله دستخط شاه را بوسید و روی سر گذاشت و تعظیم کنان از خیمه سلطنتی بیرون آمد. نیم فرسخی که از قرارگاه سلطنتی دور شد معلقی زد و مبدل به آهوئی تیز پا گردید، مثل برق بنای دودین را گذاشت آنقدر دوید که از خستگی و ضعف نزدیک بود از پا درآید فوراً معلقی زد و مبدل به خرگوشی باد پا شد باز شروع بدویدن کرد ساعتی بی اختیار دوید تا بکلی خسته شد و با معلق سوم شکل چلیچه کاکل طلایی را بخود گرفته و از زمین پرواز کرد.

خلاصه بعد از ۱۸ ساعت پشت قصر سلطنتی باین آمد و بایک معلق شکل آدم را بخود گرفت و وارد قصر شد.

دستخط همایونی را خدمت دختر پادشاه تقدیم کرد. شاهزاده خانم دستخط همایونی را بوسید و سپس گشود و پس از مطالعه از یوسف کوتوله بانهایت حیرت سؤال کرد: «چگونه تو پنج ماه راه را در هیچ ساعت طی کردی؟»

یوسف کوتوله تعظیمی کرد و عرض نمود غلام خانه زاد اوراد خصوصی میداند که با ذکر آن تغییر شکل میدهد در راه رفتن تجدید قوا میکند مثلاً ملاحظه بفرمائید اینطور...

یوسف کوتوله وردی خواند و معلقی زد و شکل آهوئی تیز پا را بخود گرفت و در اطراف بنای دودین را گذاشت بعد از دوسه دور دودین با کمال ادب در حضور شاهزاده خانم ایستاد.

شاهزاده خانم فوراً یکدسته از کاکل آهو را باقیچی چیده و در دستمالی کره زد آهو معلقی زد و مبدل به خرگوشی باد پا شد و شروع بدویدن کرد بعد از دویدن وجست و خیز زیاد با نهایت ادب در حضور خانم ایستاد.

علیا خانم فوراً دسته‌ای از کاکل خرگوش چیدند و در دستمالی کره زدند خرگوش معلق زد و مبدل به چلیچه کاکل طلایی شد و بنای دودین در فضای سالن را گذاشت بعد از چند دور پرش باین آمد و زوی دست مرصع

سندلی شاهزاده خانم نشست شاهزاده خانم چند دانه بر از کاکل طلایی چلیچه کشید و در دستمال سوم کره زد. چلیچه معلق زد و شکل یوسف کوتوله را بخود گرفت و با کمال ادب تعظیمی کرد و در زاویه سالن دست بسینه ایستاد شاهزاده خانم بدون اینکه ذکری از یوسف کوتوله یا تغییر شکل او بشاید جواب دستخط شاه را نوشته و شمشیر و گرز سلطنتی را بختیار او گذاشت.

یوسف کوتوله زمین ادب بوسید و از قصر سلطنتی خارج شد و بهمان ترتیب شمشیر و گرز را تا چند فرسخی قرارگاه اردو رسانید و در آنجا رودخانه بزرگی بود که سواحل آن از نزارهای انبوه پوشانده شده بود.

یوسف کوتوله زمین ادب بوسید و از قصر سلطنتی خارج شد و بهمان ترتیب شمشیر و گرز را تا چند فرسخی قرارگاه اردو رسانید و در آنجا رودخانه بزرگی بود که سواحل آن از نزارهای انبوه پوشانده شده بود.

یوسف کوتوله زمین ادب بوسید و از قصر سلطنتی خارج شد و بهمان ترتیب شمشیر و گرز را تا چند فرسخی قرارگاه اردو رسانید و در آنجا رودخانه بزرگی بود که سواحل آن از نزارهای انبوه پوشانده شده بود.

دار یا بیغوله جان نخواهند سپرد بلکه با خوشبختی و نیکامی زندگی خواهند نمود.

این قبیل افراد نه تنها خودشان سعادتمند خواهند بود، عائله‌شان هم با داشتن چنین افرادی پیوسته پیروز بوده و مادرانشان مفتخر و ارجمند خواهند بود.

چنانکه میگویند وقتی از طرف پادشاه انگلستان نشان لرد بیکس فیلد (نصب میشد اشک بدور چشمانش حلقه زده و صمیم قلب میگفت «خواهشندم این نشان پرافتخار را بمادر هنرمندم بکنید زیرا این مقام و شخصیت من مدیون اوست».

بانوی هر خانه موظف است که پیوسته با روئی شادان همسر فرزندان را ملاقات نموده و کاری کند که محبت ایشان را بیش از پیش بخود و بمنزل جلب نماید و کاری کند که همسر و فرزندان از خانه او بیزار نشوند تا فرشته نیک بختی و صلح و صفای بر سر آن خاندان سایه افکند.

پس من سعادت خانواده خود را بداشتن شوهری مهربان و فرزندی لایق و مبین دوست و آزادیخواه بودن مادری عاقل و فهمیده میدانم.

**اهواز - دوشیزه منظم سامیح**

### معمای شعری

چيست آن جسم پرزقش و نگار سرش از سنگ و پیکرش از چوب نقل هر مجلس است در دل روز تیره زو چهره‌های چون گلشن هر که با او قرین شود گوید

این معما را حل کرده با یکریال تبر ارسال دارید به برنگ چهارمست عالم بهبودی خواهد شد.

مدت قبول پاسخها یکماه است.

### برنده آرزومه کنید قسمت ۱۷

در ترجمه این قسمت غیر از آقای الیاهو متوسل بقیه شرکت کنندگان ترجمه خود را بدون ضمیمه تبر ارسال داشتند و لذا آنها ترتیب اثر داده نشد و چون ترجمه ایشان با سایرین مقابله نمیشود و تنها جواب وارده محسوب میگردد از این جهت آقای الیاهو متوسل برنده شناخته میشوند و ترجمه ایشان با مختصر اصلاح درج میشود.

(ماه) کیسوا میگوید

کیست که از بین جمیع برادرانم بامن برابری کند منظر از برادران سایر ماهها است (قوم اسرائیل در من قیام کرده زنده ماند.

چشم جنوکا، آن جشن روشنائی و چراغانی درمن است، آن جشنی که یادگار عظمت و شجاعت می باشد.

فرزیه میچرخد و دور میرند. لا ینقطع، تمام روزهای عید را. وحکایت میکند و با صدای بلند اعلام میدارد. که در روز ۲۵ کیسوا معجزه بزرگی بوجود پیوست.

## اگر مادر شدید

### سعادت خانواده خود را چگونه تأمین میکنید

-۱۳-

مسئله خانواده‌ای را مادری کاردان و باتجربه میتواند با کمال صمیمیت و دلگرمی و ابراز لیاقت و عواطف مادری، خود را شمع فروزان خانواده و خانه خوش را کانون سعادت و خوشبختی بنماید. ولی دایره افکار بشری متفاوت است هر کس میتواند بنوعی از این موهبت الهی برخوردار شود.

۱- بقیه من اگر روزی مادر شدم و مسئولیت يك خانواده را برعهده گرفتم همواره سعی میکنم که حوادث زندگی را با تبسم و اندکی دقت و صبر و شکیبائی تلقی نموده و از وقوع پیش آمد های ناگوار غبار ملالت را بر خاطر راه ندمم و همه وقت دارای چهره‌ای شادان و قلبی مملو از عواطف و احساسات مادری نسبت همسر و فرزندان خود داشته باشم.

۲- رشته اتحاد و یگانگی را مابین اعضای خانواده برقرار سازم چون سعادت بشری وابسته به محبت متبادل میان زوجین و میزان اعتماد و اطمینانی است که دوهمسر نسبت یکدیگر ابراز نمایند.

۳- در تربیت و پرورش اطفال خود دقیق بوده و آنها را قوی البینه و سالم بار آورم و از هیچ گونه مواظبت‌های بهداشتی دریغ و مضایقه ننمایم.

۴- حسن ملبت و نوع دوستی را در نهاد آئین تلقین کرده که برای تشریک مساعی و همدردی نسبت بخود و دیگران آماده باشند.

باین وسیله یقین دارم که روزی با فرشته سعادت هم آغوش شده و خانواده‌ای را از نور آن بهره ور سازم.

فرستنده فرخ نور منش

-۱۴-

من سعادت خانواده خود را به داشتن شوهری زیبا یا ثروتمند نمیدانم بلکه با داشتن همسری خوش - اخلاق و نجیب و مهربان میدانم.



اگر مادر شدم در تربیت و مراقبت فرزندانم بیش از هر چیز کوشش خواهم نمود چون وقتی کشور و ملتی سربلند و ارجمند خواهد بود که دارای افرادی لایق و کارآزموده باشند.

مادر وقتی تاج مادری بر بالای سرش میدرخشد و طوق همسری برگردن افراشته‌اش برق میزند که فرزندان شایسته و کاردان تقدیم جامعه نماید هر دوشیزه‌ای در آتیه یا مادر و یا همسر خواهد شد و در هر دو حال بر جان و قلب و مغز حکومت می کند.

آنوقت اگر بانویی عاقل و فهمیده و روشنفکر و باتقوی باشد کودکانی که در دامان او پرورش می یابند هرگز دزد و جانی نخواهند بود و عاقبت بر بالای



